

PRECISION MARKETS

SMC SERIES



مترجم

رامین محمدنژاد

TELEGRAM CHANNELS:

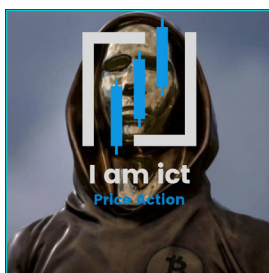
T.ME/TOBEATRADER

T.ME/IAMICTFX



The Trading Bible 2.0

Supply/Demand & Liquidity Concepts



T.ME/IAMICTFX



T.ME/TOBEATRADER

این مجموعه آموزشی **کاملاً رایگان** در کانال تلگرامی
@ToBeTrader
در اختیار همه قرار داده شده و حقوق آن محفوظ است

مقدمه ای بر بازار فارکس

قبل از شروع سفر معامله‌گری خود در بازار فارکس، برخی نکات اساسی وجود دارد که باید در مورد آن بدانید. ارزش تبادلات در بازار ارزها روزانه بیش از ۶ تریلیون دلار می‌باشد. به عنوان یک انسان، مسائل عاطفی زیادی خواهید داشت که باید با آنها مقابله کنید. قسمت عمده‌ی بازار توسط الگوریتم‌های کامپیوتری کنترل می‌شود که هیچ احساسی ندارند.

شما در برابر بهترین‌ها و درخشان‌ترین‌های جهان قرار دارید. بازار علیه شما تقلب خواهد کرد و طوری طراحی شده است که موجب شکست شما شود. این یک بازی مجموع صفر است. اگر شما برنده شوید، به بروکری (کارگزار) که به بانک پول می‌دهد، پول خواهید داد. اگر شما بازنده شوید، به بروکری که به بانک پول می‌دهد، پول خواهید داد (که اتفاقاً از ضرر شما هم سود برده). اما با یک تریدینگ پلن (برنامه‌ی معاملاتی) مناسب و اجرای شایسته‌ی آن، راهی برای سودآوری در بازار وجود دارد. این کتاب برای کمک به شما در یافتن مزیت خود در بازار نوشته شده است.

این کتاب به چندین بخش تقسیم شده است تا به شما کمک کند، قطعه‌های برنامه‌ای را که می‌تواند یک برتری برای برنده شدن ایجاد کند، کنار هم بچینید: اصول بازار، ساختار بازار، قیمت‌گذاری (پریمیوم درمقابل دیسکانت)، انتخاب عرضه/تقاضا، سقف‌ها و کف‌های محافظت شده/هدف قرارگرفته، نقدینگی و وادارسازی، اجرا، مدیریت.

این استراتژی اکیدا مبتنی بر پرایس اکشن (رفتار و حرکات قیمت) است و از هیچ اندیکاتوری به غیر از اینساید بار استفاده نخواهد شد.

بیایید شروع کنیم!



اصول بازار

اخبار :

در شروع روز معاملاتی خود باید اخبار با تاثیر بالا (High Impact) که به رنگ **قرمز** می باشند را بررسی کنید.

توصیه می کنم از یکی از سایت های زیر استفاده کنید :

این همان سایتی است که من استفاده می کنم :

<https://www.forexfactory.com>

این یکی نیز کار می کند، هرکدام را ترجیح دادید، استفاده کنید :

<https://www.myfxbook.com/forex-economic-calendar>

من معامله کردن با اخبار را توصیه نمی کنم. چرا که ریسک بالایی دارد و حفاظت از سرمایه اولین هدف ما است. اگر قبل از انتشار خبر، داخل یک معامله باز هستید، باید ریسک فری کنید (یعنی قسمتی از معامله را ببندید یا حدضررتان را به نقطه ی ورود و سربه سر انتقال دهید). نحوه ی انجام صحیح این کار را در بخش مدیریت توضیح خواهم داد.

انتخاب بروکر (کارگزار) :

با استراتژی های مفاهیم پول هوشمند (اسمارت مانی)، ما از حد ضررهای کوچکی استفاده می کنیم، بنابراین استفاده از بروکر با کمترین اسپرد توصیه می شود. من توصیه می کنم کمی تحقیق کنید و بهترین بروکر را برای کشور خود پیدا کنید.



اصول بازار

توصیه می‌کنم نسخه‌ی پولی سایت Tradingview (تریدینگ ویو) را تهیه کنید تا بتوانید امکانات و ابزارهای بیشتری برای استفاده داشته باشید. من از نسخه پریمیوم (یکی از ورژن‌های پولی) استفاده می‌کنم تا در صورت نیاز با انتخاب گزینه‌ی تایم فریم ثانیه‌ای برای اجرای معاملات، از این امکانات استفاده کنم. اما برای شروع حتی کم‌ترین نسخه‌های پولی نیز خوب هستند. ما فقط از نمودارهای Forex.com یا Oanda استفاده می‌کنیم. از نمودارهای FXCM دوری کنید.

توصیه می‌کنم برای شروع فقط یک جفت ارز را معامله کنید. به عنوان معامله گران BFI (موسسات مالی بانکی) ما به دنبال جزئیات بسیار ظریف و درهم پیچیده‌ای هستیم که نیاز به تمرکز بسیار زیادی دارد. یک جفت ارز برای شروع، کار شما را خوب می‌کند. هنگامی که شما با یک جفت ارز سودآور شدید، در صورت تمایل می‌توانید سراغ معامله با دو جفت ارز بروید، اما توصیه می‌کنم که با یک جفت ارز معامله کنید.

هر یک از بازارهای اصلی (Majors) دارای ارز USD (دلار ایالات متحده آمریکا) عالی هستند، البته آسان‌ترین جفت ارز با بهترین اسپرد برای معامله، EURUSD (یورو- دلار) است. EURUSD به دلیل داشتن اسپردهای پایین و حجم معاملات بالا، با بهترین شکل ممکن به سیستم معاملاتی ما احترام می‌گذارد که اعتماد به نفس لازم را به ما می‌دهد، به خصوص اگر مبتدی هستید و تازه شروع به معامله‌گری کرده‌اید.

به عنوان معامله‌گر، ما باید مغز خود را به سمت عادات موفق هدایت کنیم و آنها را جایگزین عادات‌های بد کنیم. روانشناسی و ذهنیت تاثیر عظیمی بر معامله کردن شما خواهد داشت. تمریناتی که برای منضبط شدن در این کتاب آموزش داده شده، باید دنبال شود. من می‌توانم راه را به شما نشان دهم، اما شما باید آنچه را که من می‌آموزم را بارها و بارها تمرین کنید تا زمانی که مغز خود را دوباره برنامه ریزی کنید (مترجم: آنچنان به مفاهیم تسلط پیدا کنید که در ضمیر ناخودآگاهتان ریشه بندازد).



شناخت پپ و اسپرد

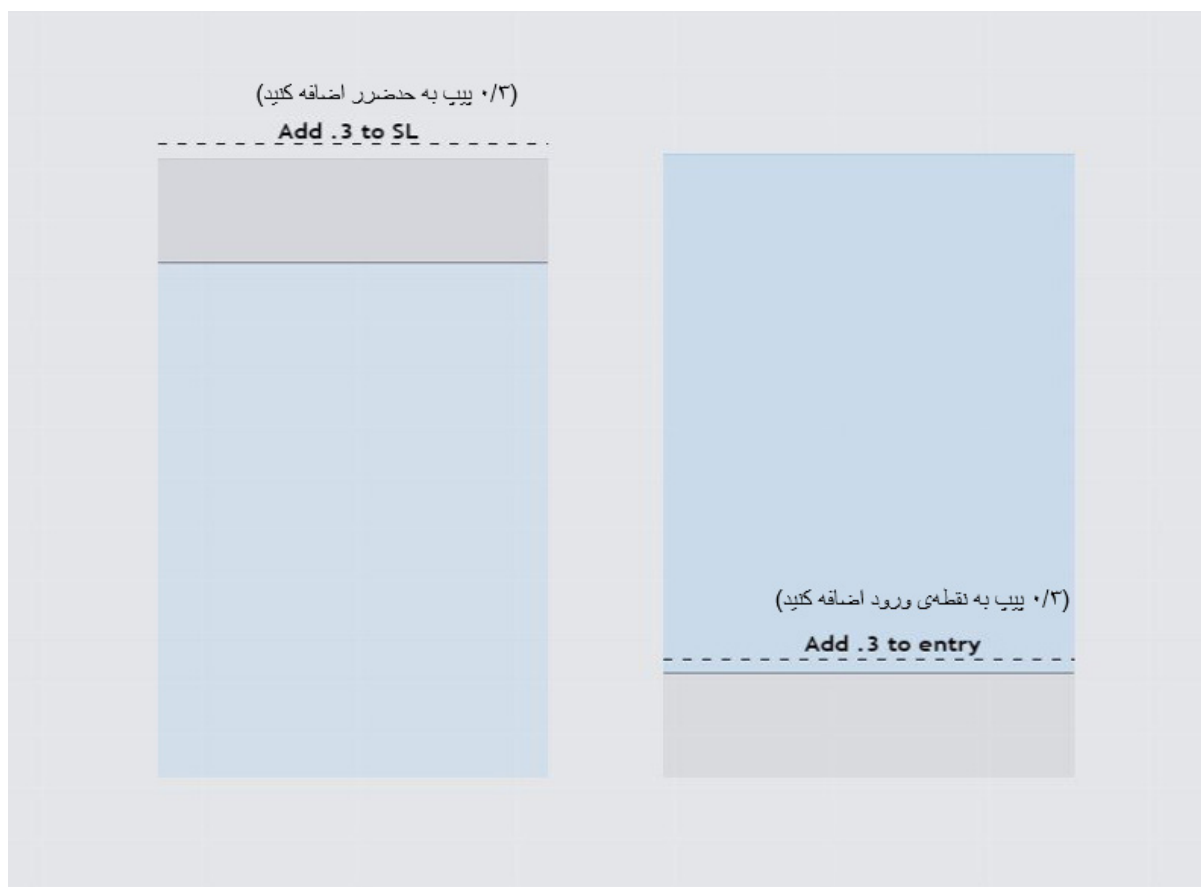
EUR/USD 1.17185 1.17195

چهارمین اعشارمیزان ارزش پپ ما را نشان می‌دهد. اسپرد الان ۱ پپ است.

EUR/USD 1.17192 1.17195

در این مثال الان اسپرد ۳/۰ پپ است.

هنگام ورود به معامله باید اسپرد را در نظر بگیرید. اختلاف اسپرد را در معاملات فروشتان به حضرتان اضافه کنید و در معاملات خرید نیز به اندازه‌ی اسپرد سفارشتان را بالاتر در نظر بگیرید تا اطمینان حاصل کنید وارد معامله می‌شوید و از آن جا نمی‌مانید.



بهترین زمان‌ها برای معامله

ما هر روز ۲ بازه‌ی زمانی ۳ ساعته داریم که حجم معاملات به بالاترین حد خود می‌رسد و حرکات و نوسانات قیمت نیز بالا می‌باشد. اینها زمان‌هایی هستند که ما می‌خواهیم معامله کنیم، زیرا به ما مزیت و برتری بیشتری می‌دهد و همچنین بخشی از S.O.P (روش‌های عملیاتی استاندارد) ما است.

اول از همه، درک کنید که لندن بازارها را به حرکت در می‌آورد. ما نمودارهای خود را به وقت لندن (UTC + 1) در شش ماه اول سال یا (UTC) در شش ماه دوم سال تنظیم و اجرا می‌کنیم. مهم نیست در کجای دنیا قرار دارید، به عنوان یک معامله گر BFI، شما باید با ساعت لندن فعالیت کنید. لندن قطب مالی جهان است. این تنها منطقه زمانی است که از آن استفاده خواهید کرد.

کیل زون لندن (LKZ) :

کیل زون لندن با باز شدن فرانکفورت شروع می‌شود که ۷:۰۰ صبح (UTC یا UTC+1) است و تا ۱۰:۰۰ صبح ادامه دارد.

کیل زون نیویورک (NKZ) :

کیل زون نیویورک از ساعت ۱۳:۰۰ (UTC یا UTC+1) شروع می‌شود و تا ساعت ۱۶:۰۰ ادامه دارد.

بله ممکن است معاملات زیادی در خارج از این ساعات معاملاتی انجام شود، اما این ساعات بیشترین احتمال موفقیت را برای شما به ارمغان می‌آورد. به خودتان شانس و فرصت موفقیت بدهید. این یکی از مهمترین بخش‌های S.O.P ما است.



مبانی سرمایه گذاری

ایده‌ی سرمایه‌گذاری یعنی اینکه ارزان (دیسکانت) خرید کنید و گران (پریمیوم) بفروشید. مثلاً برای انجام یک معامله‌ی شورت، باید در قیمت بالا و گران (پریمیوم) پوزیشن شورت را باز کنیم و در قیمت‌های پایین و ارزان (دیسکانت) اقدام به بستن معامله کنیم.

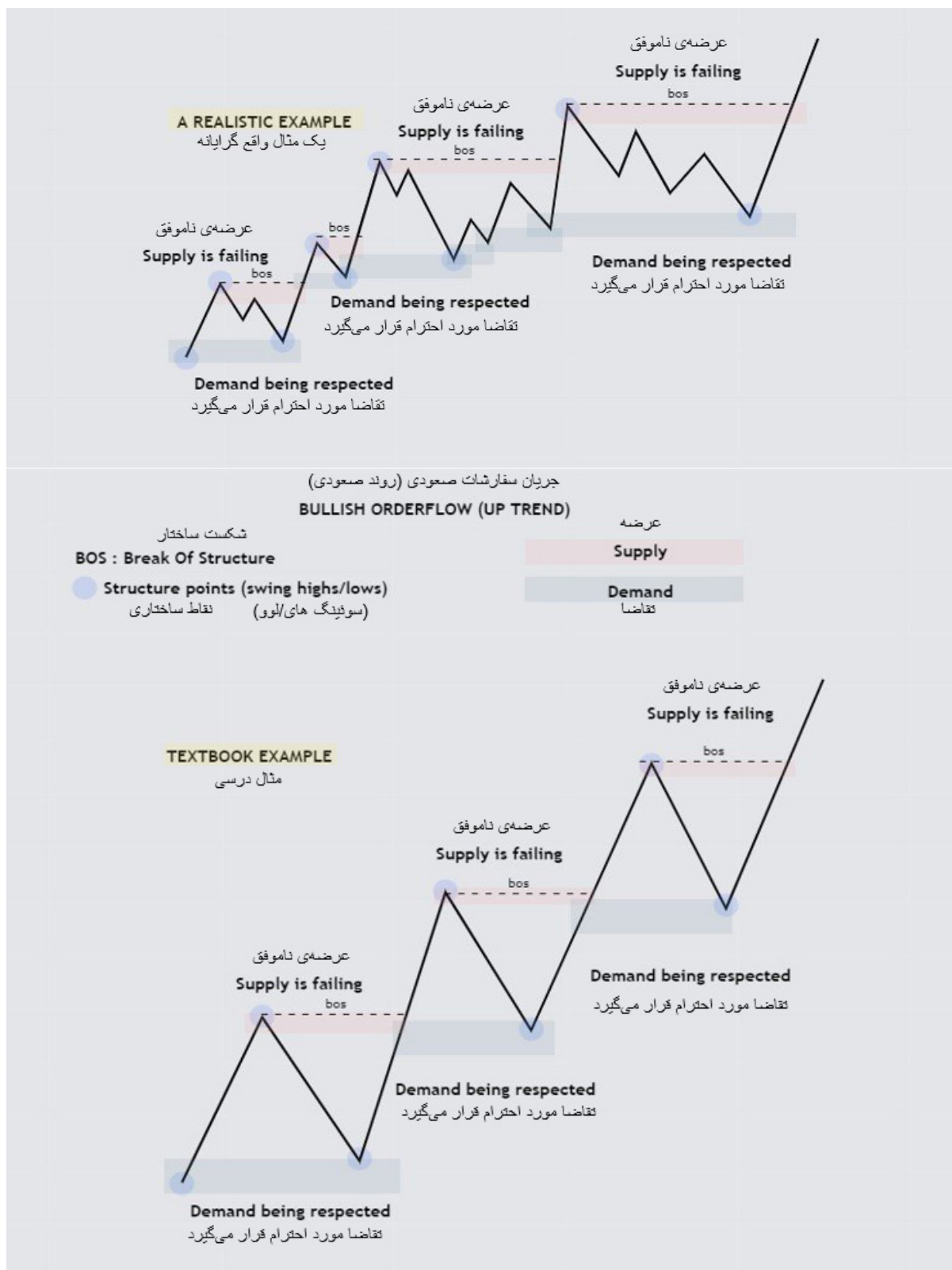
اینجا جایی است که عرضه/تقاضا وارد می‌شود: نواحی عرضه، مناطقی هستند که ما در آنجا می‌خواهیم فروش انجام دهیم، زیرا در آن زمان و در ارز مربوطه، عرضه‌ی بیش از حد داریم. نواحی تقاضا نیز، مناطقی هستند که ما در آنجا می‌خواهیم خرید انجام دهیم. معنای اینکه ارز در فاز تقاضا قرار دارد این است که، در واقع یعنی در بازار کمبود داریم.

ساده‌ترین راه برای درک مفهوم عرضه/تقاضا، مثال خرید و فروش ملک می‌باشد، اگر به دلیل اینکه هیچکسی خانه‌ی خود را نمی‌فروشد، دچار کمبود ملک در بازار شویم، اتفاقی که رخ می‌دهد این است که به دلیل کمبود موجودی در بازار، قیمت خانه‌ها افزایش پیدا می‌کند. اکنون درست در نقطه‌ی مقابل، اگر تعداد زیادی از مردم خانه‌های خود را به یکباره بفروشند، بازار با سیلی از فروشندگان و سفارش فروش در مقابل خریداران کم مواجه می‌شود، بنابراین قیمت تمام خانه‌ها پایین می‌آید. بازار ارزها نیز دقیقاً مثل همین مثال می‌باشد و هیچ تفاوتی با آن ندارد.

خرید/فروش در مناطق درست بخشی از مزیت ما است. قیمت گذاری پریمیوم در مقابل دیسکانت به ما ستاپ‌های معاملاتی با احتمال موفقیت بالا می‌دهد که همراه با تجزیه و تحلیل مناسب، می‌توانیم مطمئن شویم که برای معاملاتی که انجام خواهیم داد، بیش از حد و ارزش آن پرداخت نمی‌کنیم. در آینده هنگامی که به بخش قیمت گذاری کتاب رسیدیم، در این مورد با جزئیات بیشتری صحبت خواهیم کرد.



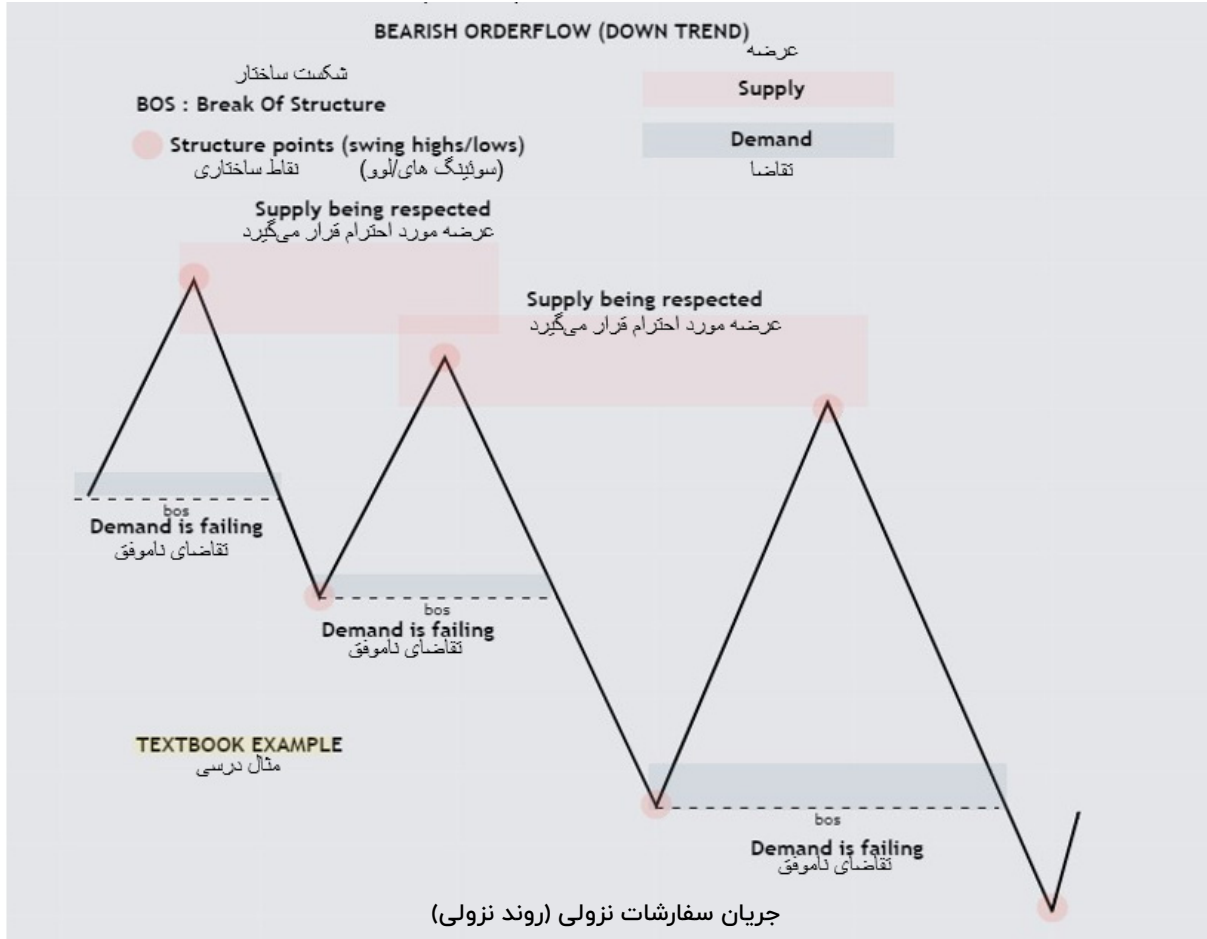
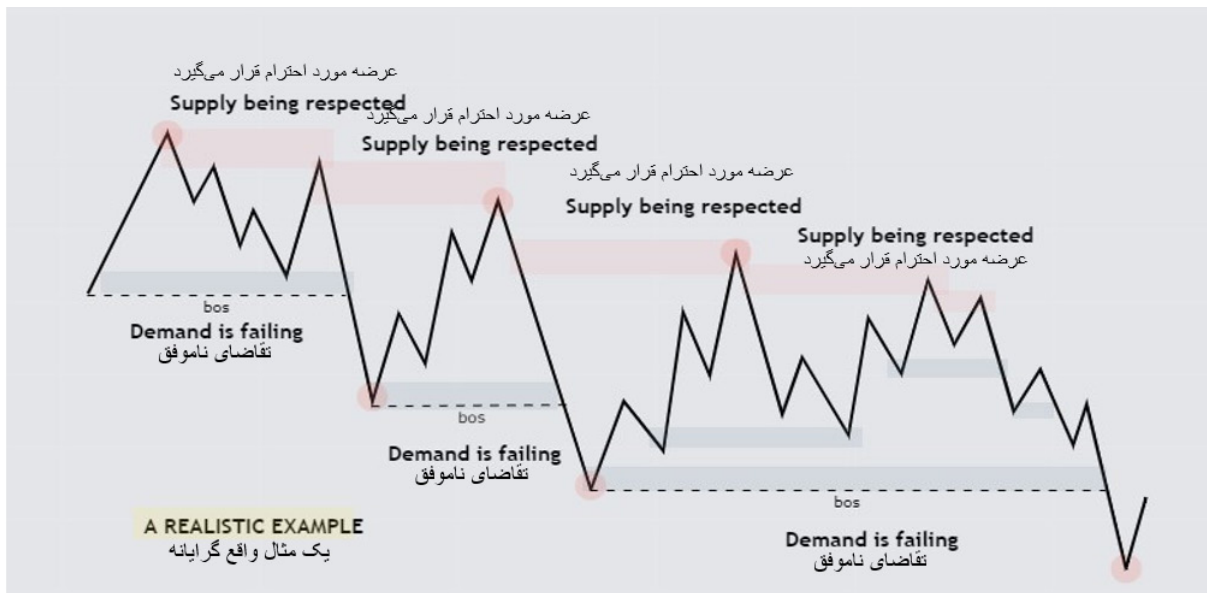
ساختار بازار



جریان سفارشات صعودی (روند صعودی)



ساختار بازار



ساختار بازار

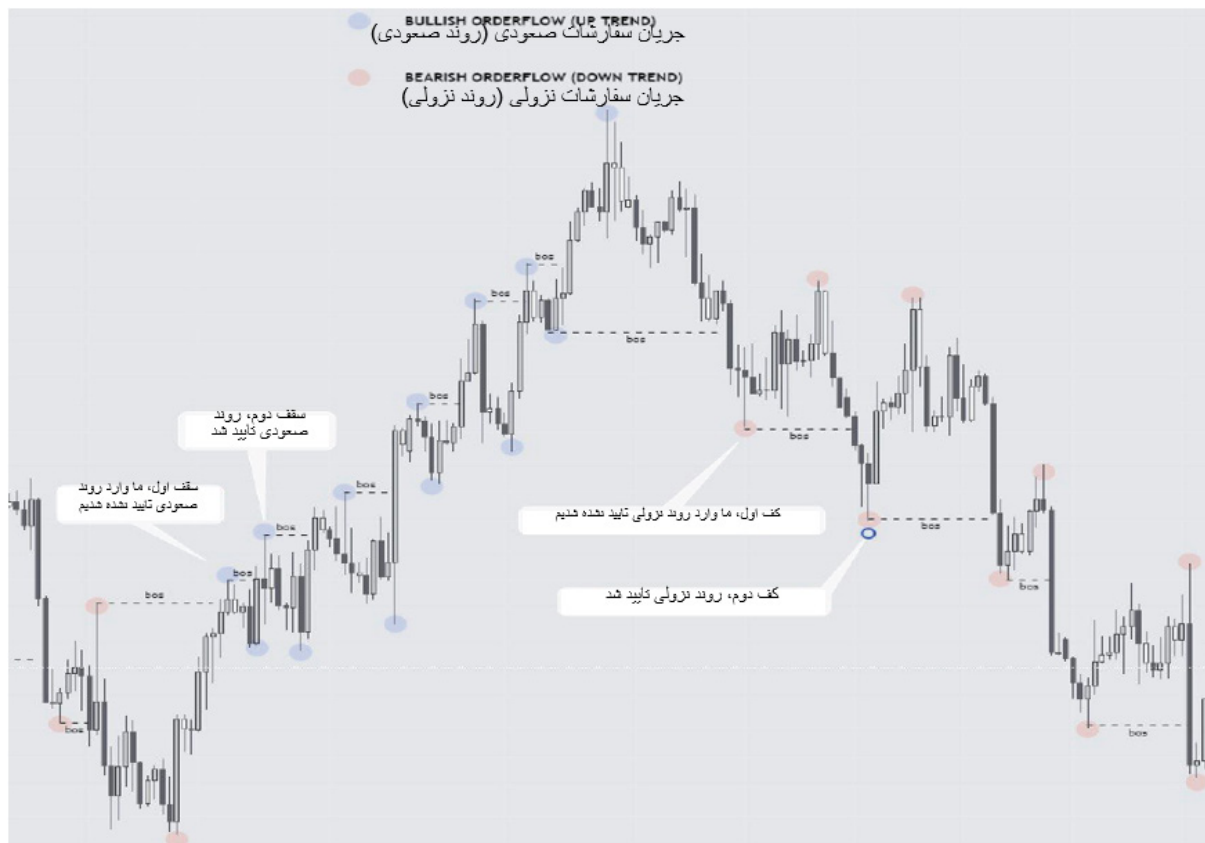
تایم فرم بالا (Macro) ۴ ساعته (4H)



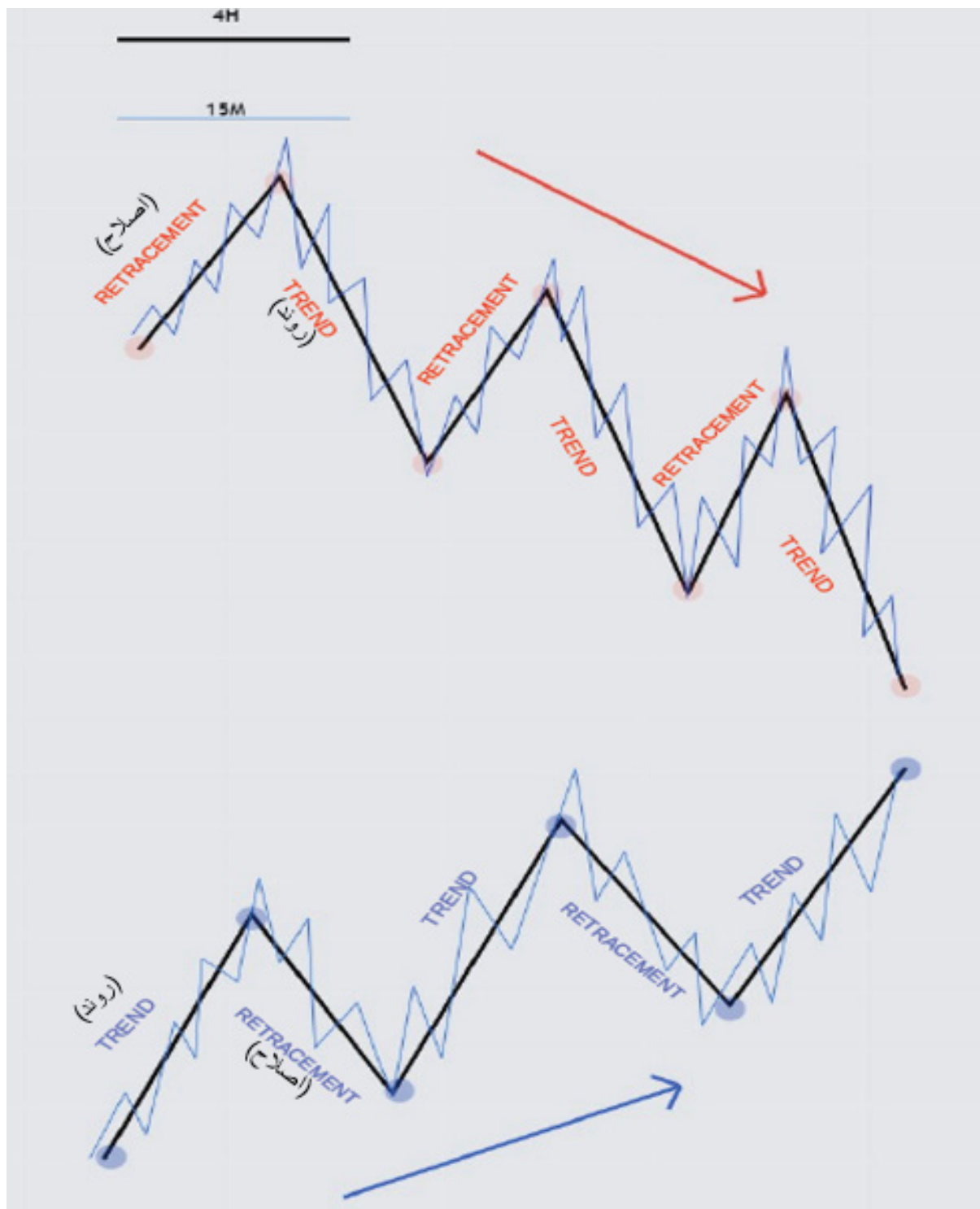
ساختار بازار

شکست ساختار فقط توسط بدنه‌ی کندل تایید می‌شود، نه شدوها. شکست ساختار با شدوها فقط در تایم فرم ۱ دقیقه‌ای یا ثانیه‌ها شکست ساختار محسوب می‌شوند. اگر به مثال زیر دقت کنید، زمانی که ما در روند نزولی قرار داریم بالاترین نقطه قبل از BOS و پایین‌ترین نقطه مشخص شده است. وهنگامی که در روند صعودی قرار داریم پایین‌ترین نقطه قبل از BOS و بالاترین نقطه مشخص شده است. هرشدو یا هر نوع ساختار دیگری مابین این دو نقطه به عنوان ساختارفرعی (Substructure) طبقه‌بندی می‌شود (گاهی اوقات ساختار داخلی نامیده می‌شود).

برای تایید شدن یک روند، باید ۲ سقف یا ۲ کف تشکیل شود. اولین شکست ساختار، تایید نیست و هر دو گزینه‌ی خرید و فروش همچنان برایمان روی میز باقی هستند. زمانی که یک روند تایید شد، جریان سفارشات انتظاری تا پایان روند ادامه می‌یابد (در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد).



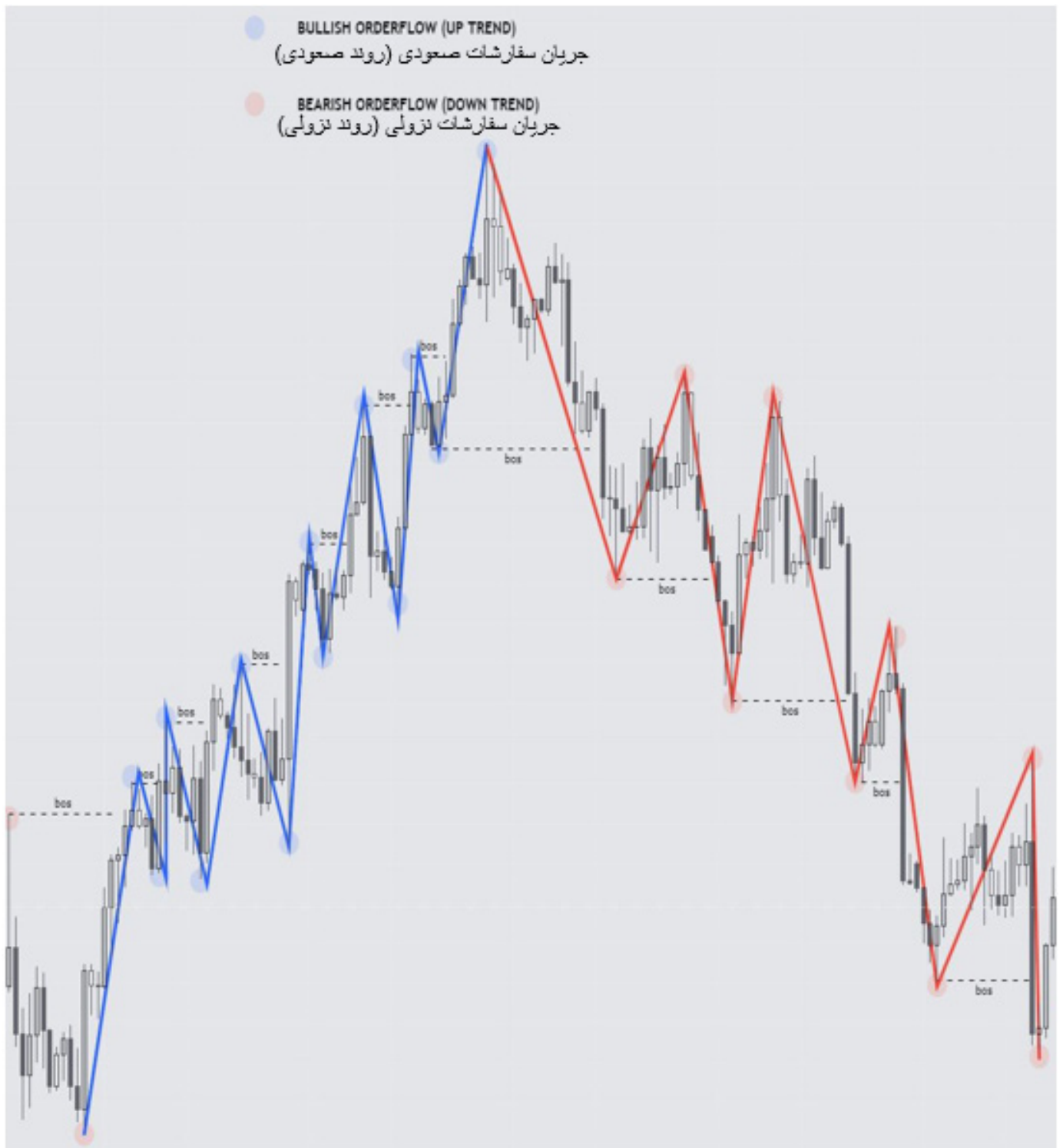
ساختار بازار



تحلیل مولتی تایم فرم



ساختار بازار



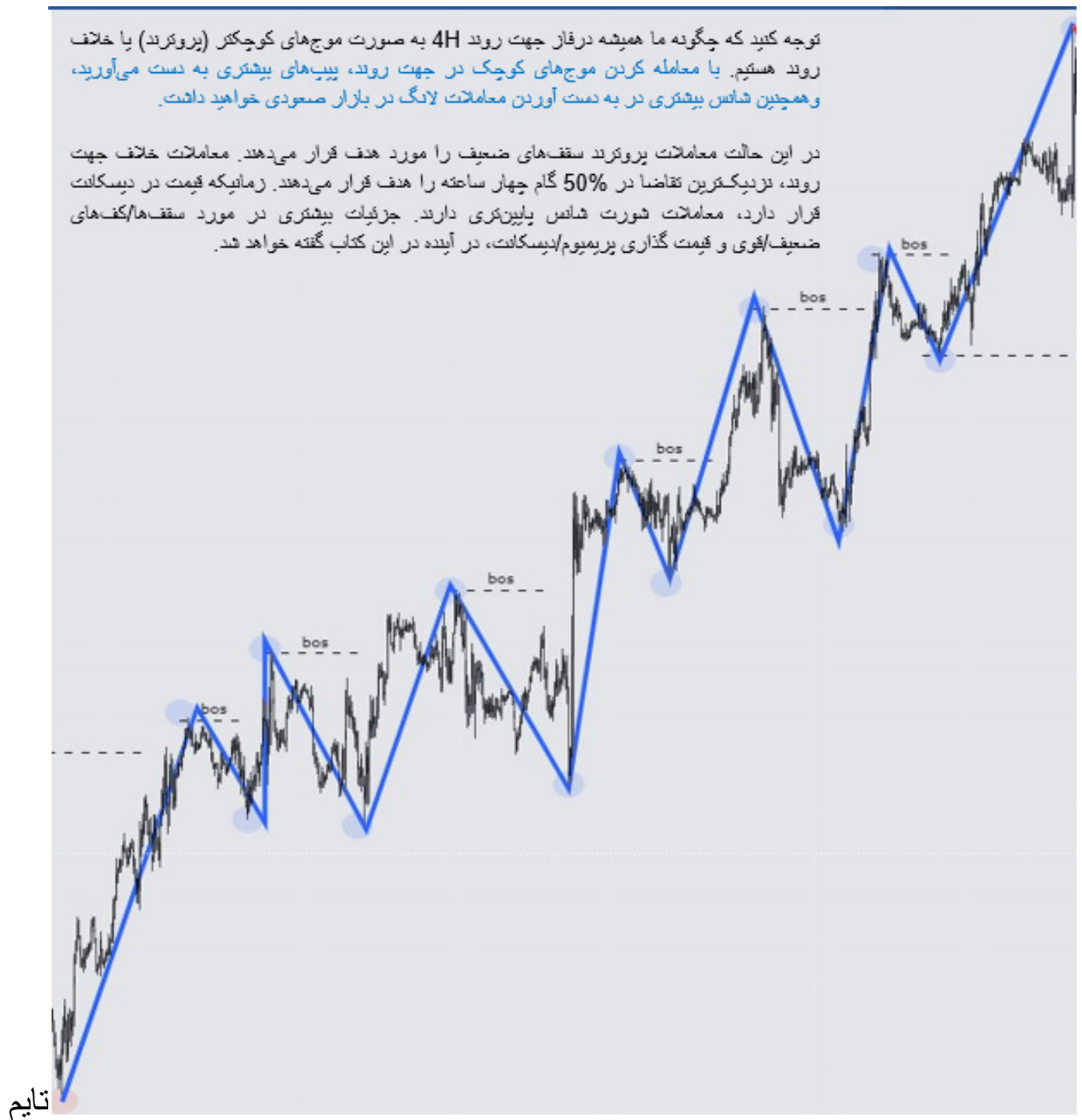
تایم فرم ۴ ساعته (تایم Macro)



ساختار بازار

توجه کنید که چگونه ما همیشه در فاز جهت روند 4H به صورت موج‌های کوچکتر (پروترند) یا خلاف روند هستیم. با معامله کردن موج‌های کوچک در جهت روند، پیب‌های بیشتری به دست می‌آورید، همچنین شانس بیشتری در به دست آوردن معاملات لانگ در بازار صعودی خواهید داشت.

در این حالت معاملات پروترند سقف‌های ضعیف را مورد هدف قرار می‌دهند. معاملات خلاف جهت روند، نزدیکترین تقاضا در 50% گام چهار ساعته را هدف قرار می‌دهند. زمانی که قیمت در دیسکانت قرار دارد، معاملات شورت شانس یابین‌تری دارند. جزئیات بیشتری در مورد سقف‌ها/کف‌های ضعیف/قوی و قیمت گذاری پریمیوم/دیسکانت، در آینده در این کتاب گفته خواهد شد.



فرم ۱۵ دقیقه‌ای (تایم micro)



ساختار بازار



تایم فرم ۱۵ دقیقه‌ای (تایم micro)



درک کردن تایم فرم‌ها + استفاده‌ی همزمان

(تایم بالا Macro / تایم پایین micro)

برای اینکه به خودمان شانس برای موفقیت در بازار بدهیم، باید از هر مزیت و ابزاری که در اختیار داریم استفاده کنیم. یکی از راه‌های بدست آوردن مزیت، انتخاب تایم فریم‌ها و جفت کردن مناسب آنها با یکدیگر می‌باشد. به عنوان BFI (بانک/موسسه مالی) باید قوانینی داشته باشیم که از آنها پیروی کنیم. تجزیه و تحلیل ما در Daily/4H/15M انجام خواهد شد. تایم فرم 4H، تایم تحلیل ماکرو (Macro) ما است. تایم فرم 15m، تایم تجزیه و تحلیل میکرو (micro) ما است.

اکثر تعیین کردن جهت بازار و ایده‌های معاملات درون روزی ما از تایم فرم 4H/15m نشأت می‌گیرند. تایم فرم روزانه، برای دیدن اینکه قیمت کنونی از لحاظ قیمت گذاری در تایم فرم 4H (پریمیوم در مقابل دیسکانت) در کجا قرار دارد و چه زمانی احتمال دارد روند فعلی در تایم فرم 4H به پایان برسد، استفاده می‌شود. ما در اکثر مواقع می‌توانیم POI‌های میکرو (micro POI's) خودمان را در تایم فرم 15m پیدا کنیم، اما با این وجود اگر ساختار مناسب و واضحی در تایم فرم 15m که بتواند برایمان کمک کننده باشد پیدا نکردیم، می‌توانیم با گشتن در بین تایم فرم‌های 10m الی 30m آنها را بیابیم.

برای اینکه بتوانید واقعا یک معامله گر موفق باشید، باید شروع به ساختن یکسری عادات برای خودتان کنید. یکی از این عادات تنها استفاده از ۲ تایم فریم برای تحلیل است. شما باید مغز خود را دوباره سیم کشی کنید و یک S.O.P (روش های عملیاتی استاندارد) ایجاد کنید. ارتش‌ها صرفا الکی و بدون برنامه به جنگ نمی‌روند. آنها یک SOP و یک برنامه‌ی دقیق دارند. من اینجا هستم تا ابزارهایی که برای داشتن هر دو نیاز دارید را به شما بدهم، اما شما باید منظم باشید و به برنامه پایبند بمانید. هرچه در این کتاب جلوتر خواهیم رفت، من جزئیات بیشتری از S.O.P را برایتان باز خواهم کرد.

Macro(4H)

Micro(15m)



تایم فرم اجرا

تایم فرم اجرا که آموزش داده خواهد شد، ۱ دقیقه‌ای (1M) می‌باشد. این تایم فرم برای هیچ چیز دیگری غیر از اجرا (ورود به معامله) استفاده نخواهد شد. دیدگاه ما نسبت به روند و جهت آن از تحلیل ماکرو/میکرو ناشی می‌شود. تمام قطعات پازل و نحوه‌ی چیدن آنها کنار همدیگر، به شما آموزش داده خواهد شد. باید از SOP پیروی شود. چند روش برای اجرا به شما آموزش داده خواهد شد، اما ما به عنوان معامله‌گران BFI از برنامه منحرف نمی‌شویم. اگر ستاپ‌های معاملاتی مشخصی که به دنبالشان هستیم رخ ندهد، ما وارد معامله نخواهیم شد. به همین سادگی. معاملات خود را برنامه‌ریزی کنید و برنامه‌ریزی خود را معامله کنید. حتی شکست نیز برنامه‌ریزی شده خواهد بود و با مدیریت کاهش خواهد یافت. تمام وقت روی نمودار ۱ دقیقه‌ای (1M) ننشینید.

(تایم فرم میکرو)



(تایم فرم اجرا)



اگرچه در تصاویر بالا خیلی سخت دیده می‌شود، اما معامله‌ی انجام شده ریوارد به ریسک (R/R) ۳۶/۸ دارد که کف‌های ضعیف ۴ ساعته را توسط عرضه‌ی نهایی واقع در قیمت‌های پریمیوم، هدف قرار می‌دهد. این فقط یک نمونه از کارهایی است که این سیستم می‌تواند انجام دهد. هر دو سبک معاملات درون روزی و معاملات سوئینگی را می‌توان با این سبک معاملاتی انجام داد.





جریان سفارشات انتظاری

جریان سفارشات انتظاری به ما می‌آموزد که یک روند تایید شده مادامی که پایان نیافته، باید ادامه یابد. به این معنی که در روند صعودی ما به خرید ادامه می‌دهیم تا زمانی که خریده‌ها نتیجه ندهند. در یک روند نزولی، ما به فروش ادامه می‌دهیم تا زمانی که فروش‌ها دیگر کارایی نداشته باشند. ساختار بازار تا زمانی که توسط بسته شدن (کلوز) با بدنه‌ی کندل شکسته نشود معتبر است، که اگر این اتفاق رخ دهد، در این صورت شما یک تغییر روند خواهید داشت و یک روند تایید نشده جدید شروع می‌شود. هنگامی که روند شروع شد و تأیید شد (۲ قله یا ۲ دره ایجاد شد) از جریان سفارشات انتظاری استفاده می‌کنیم و معامله کردن را در جهت آن روند ادامه می‌دهیم.

تایم فرم‌های 4H و 15m دقیقاً مشابه تایم فرم Daily و 4H با هم عمل می‌کنند. جریان سفارشات روزانه باعث حرکت دادن جریان سفارشات ۴ ساعته می‌شود و نسبت به آن اولویت دارد. همچنین جریان سفارشات ۴ ساعته باعث حرکت دادن جریان سفارشات ۱۵ دقیقه‌ای می‌شود و نسبت به آن اولویت دارد.

عمده‌ی تجزیه و تحلیل ما در تایم فرم‌های 4H و 15m انجام می‌شود، و تایم فرم روزانه عمدتاً برای دیدن اینکه وضعیت قیمت در تایم فرم 4H ما از لحاظ قیمت گذاری (پریمیوم در مقابل دیسکانت) چقدر خوب است، استفاده می‌شود.

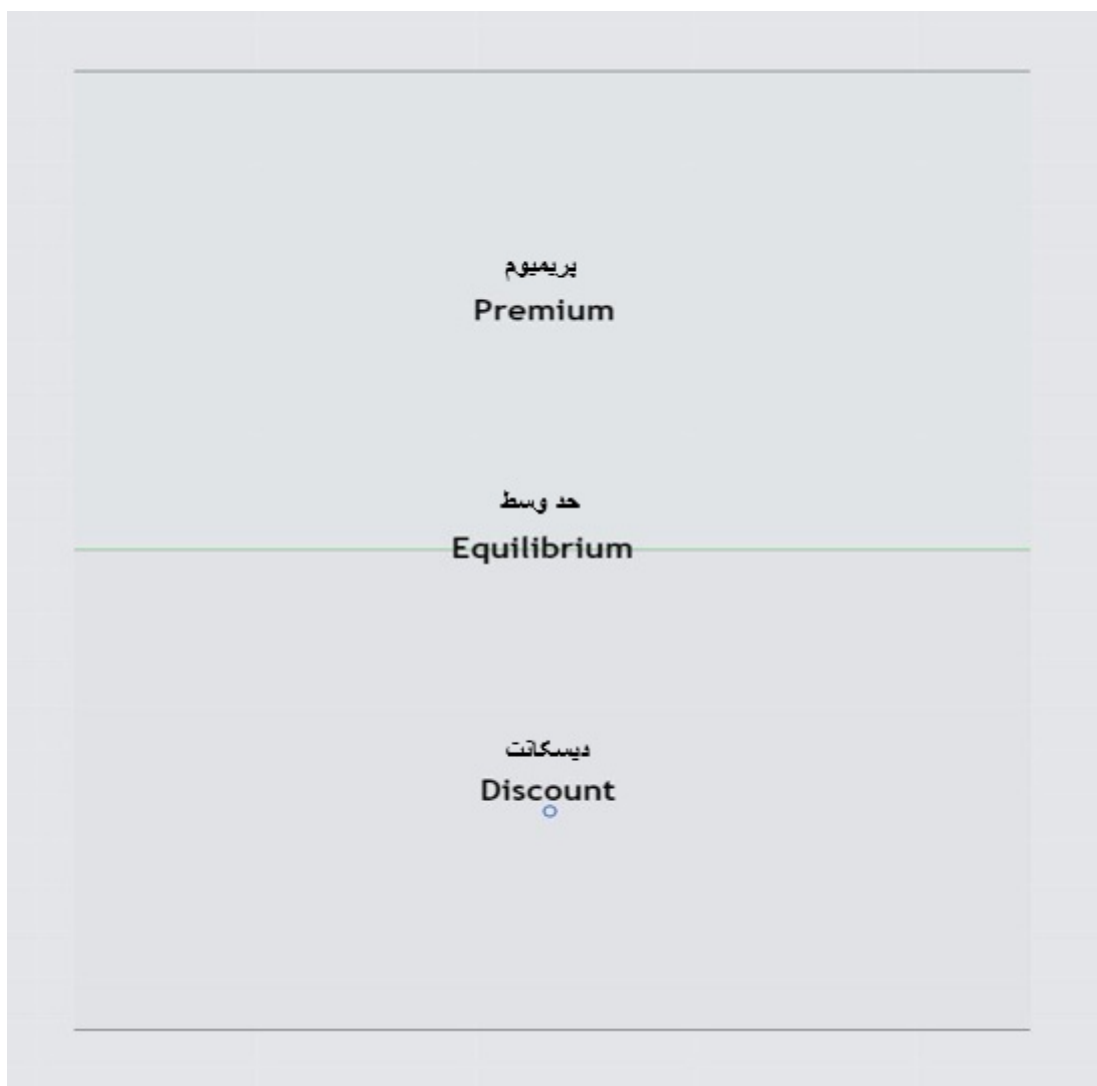
در بخش بعدی ما، قیمت گذاری پریمیوم در مقابل دیسکانت را توضیح خواهیم داد تا مطمئن شویم که قیمت مناسب را برای سفارش خود می‌پردازیم. قیمت‌گذاری همچنین به ما این اجازه را می‌دهد که میزان احتمال عمل کردن یک ستاپ در یک POI (نقطه مورد علاقه) مشخصی را مشاهده کنیم. ما می‌خواهیم اطمینان حاصل کنیم که در یک گام قیمتی، در قیمت‌های بسیار بالا اقدام به خرید نمی‌کنیم، و همچنین قیمت‌های بسیار پایین نیز اقدام به فروش نمی‌کنیم، زیرا در غیر این صورت احتمال موفق شدن آن معامله بسیار پایین خواهد آمد. اگرچه جریان سفارشات انتظاری به ما می‌آموزد که روند را تا زمانی که تمام نشده دنبال کنیم، ما ستاپ‌های معاملاتی با احتمال بالا و ستاپ‌های معاملاتی با احتمال پایین نیز داریم.

ساختار بازار تا زمانی که شکسته نشود معتبر است.



قیمت گذاری

پریمیوم در مقابل دیسکانت



مثال بالا یک مدل قیمت گذاری پریمیوم در مقابل دیسکانت است. ما می‌خواهیم در پریمیوم فروش و در دیسکانت خرید انجام دهیم. این یک ابزار ساده‌ی فیبوناچی با درصدهای 0% ، 50% ، 100% می‌باشد. این ابزار ساده به ما کمک می‌کند تا مطمئن شویم که بهترین معاملات را در سرمایه‌گذاری‌های خود داشته باشیم.



قیمت گذاری

پریمیوم در مقابل دیسکانت

در یک روند صعودی، فیو از ابتدای حرکت ایمپالس به انتهای حرکت ایمپالس کشیده می شود. حرکت ایمپالس باید ساختار را بشکند و ادامه روند را تایید کند. سپس می‌خواهیم قبل از خرید منتظر قیمت گذاری دیسکانت (زیر 50%) باشیم، تا مطمئن شویم که در بهترین قیمت ممکن خرید انجام می‌دهیم و برای به دست آوردن این پوزیشن، هزینه‌ی خیلی بالایی پرداخت نمی‌کنیم.

نمودار زیر مربوط به تایم فرم 4H است. در عین حال، ما می‌توانیم با خیال راحت یک پوزیشن شورت را تا 50% بگیریم. به دلیل صعودی بودن تایم فرم 4H، پوزیشن‌های شورت پایین‌تر از 50% احتمال پایین‌تری برای موفقیت دارند. برای رسیدن قیمت به قیمت گذاری دیسکانت، روند تایم فرم 15m نزولی می‌شود. باید این موضوع را درک کنید که تایم فرم 15m در فاز اصلاحی قرار دارد و به احتمال بالا پایان خواهد یافت و تایم فرم 4H به روند صعودی خود ادامه خواهد داد.



قیمت گذاری

پریمیوم در مقابل دیسکانت



این همان نمودار بالایی است اما در تایم فرم 15m. ما می‌توانیم با خیال راحت (البته بیشتر اوقات) تا ناحیه‌ی 50% پوزیشن شورت باز کنیم. با اجرای معامله در تایم فرم 1m، این معامله یک ریوارد به ریسک (R/R) به اندازه‌ی ۳۴/۵ را به ارمغان می‌آورد. ما در بخش ورودی‌ها/اجرا در کتاب درباره این موضوع بیشتر خواهیم آموخت. هنگامی که قیمت به ناحیه‌ی دیسکانت رسید، ما می‌توانیم مجدداً در بازار به دنبال گرفتن پوزیشن لانگ باشیم، بنابراین برای ورود به معامله‌ی مورد نظرم، منتظر مشاهده‌ی سرخ‌هایی در بازار می‌مانیم. قیمت در این مثال اصلاح بسیار عمیقی ندارد، اما ممکن است در مواقع دیگر، اصلاح قیمتی بسیار شدیدتر و عمیق‌تر باشد.

ما به عنوان معامله‌گران BFI قوانین مشخصی داریم که ستاپ‌های معاملاتی با احتمال موفقیت بالاتری در اختیار ما قرار می‌دهد، که اگر به این قوانین پایبند باشیم می‌توانیم سودآور باشیم. اینها S.O.P‌های هستند که برای برتری دادن به شما طراحی شده‌اند. همان‌طور که شما پیشرفت خواهید کرد، یاد خواهید گرفت که چگونه در زمان مقتضی، با شکستن و نادیده گرفتن این قوانین و با ریسک بالاتر وارد معامله شوید. این توانایی فقط با حضور و فعالیت مستمر و سپری کردن زمان در بازار میسر می‌شود. ما بازار را تعقیب نخواهیم کرد. ما اجازه می‌دهیم تا بازار به سمتمان بیاید و آن نظم مورد انتظارمان را ایجاد کند. حتی اگر به معنای عدم اجرای معامله در آن روز باشد.



قیمت گذاری

پریمیوم در مقابل دیسکانت

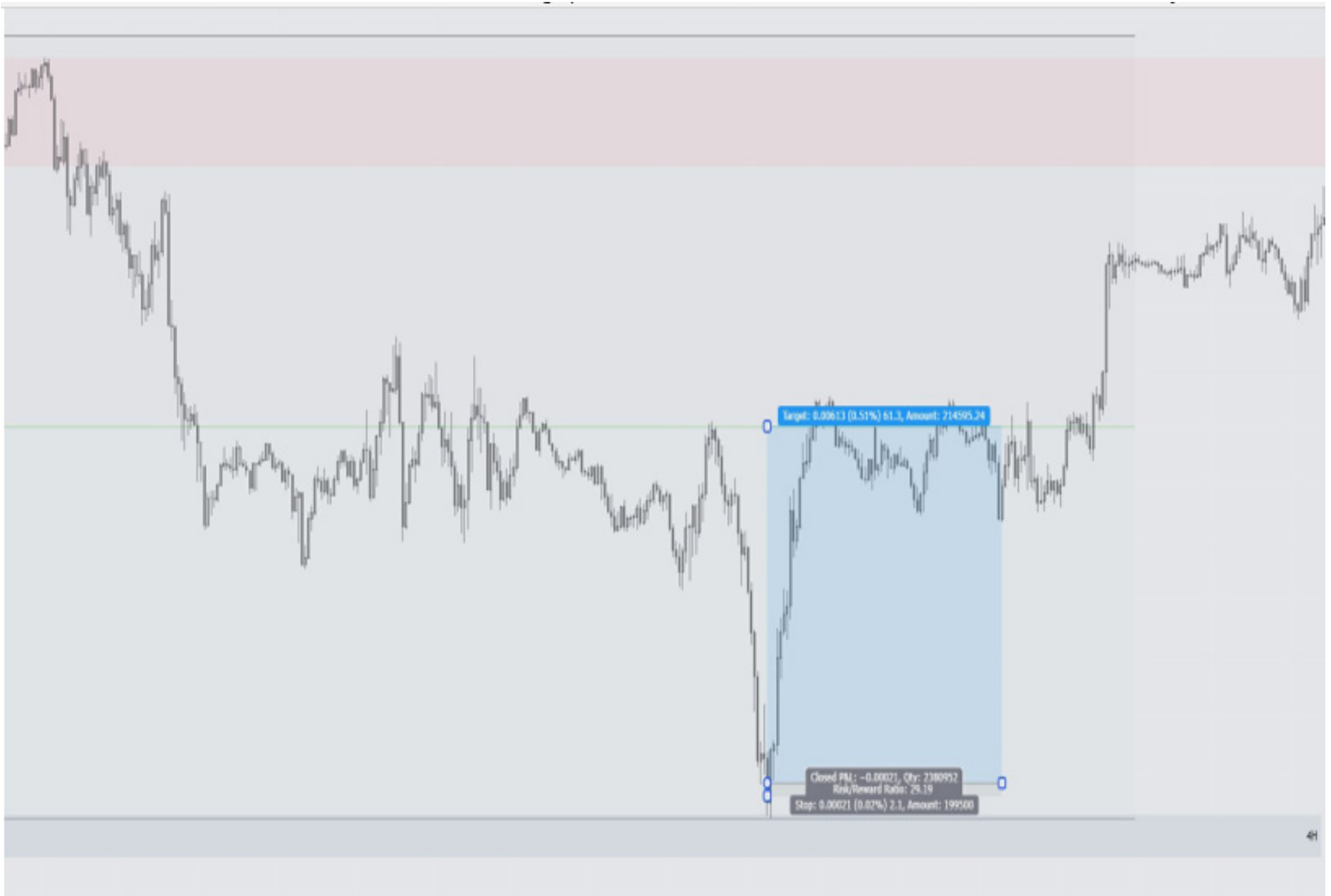


در یک روند نزولی، فیبو از ابتدای حرکت ایمپالس به انتهای حرکت ایمپالس کشیده می‌شود. ساختار باید شکسته شود. تا زمانی که قیمت به قیمت گذاری پریمیوم بازنگردد، به دنبال گرفتن پوزیشن شورت دیگری نخواهیم بود. درعین حال ما می‌توانیم به دنبال گرفتن پوزیشن لانگ تا رسیدن قیمت به ناحیه‌ی پریمیوم باشیم.



قیمت گذاری

پریمیوم در مقابل دیسکانت



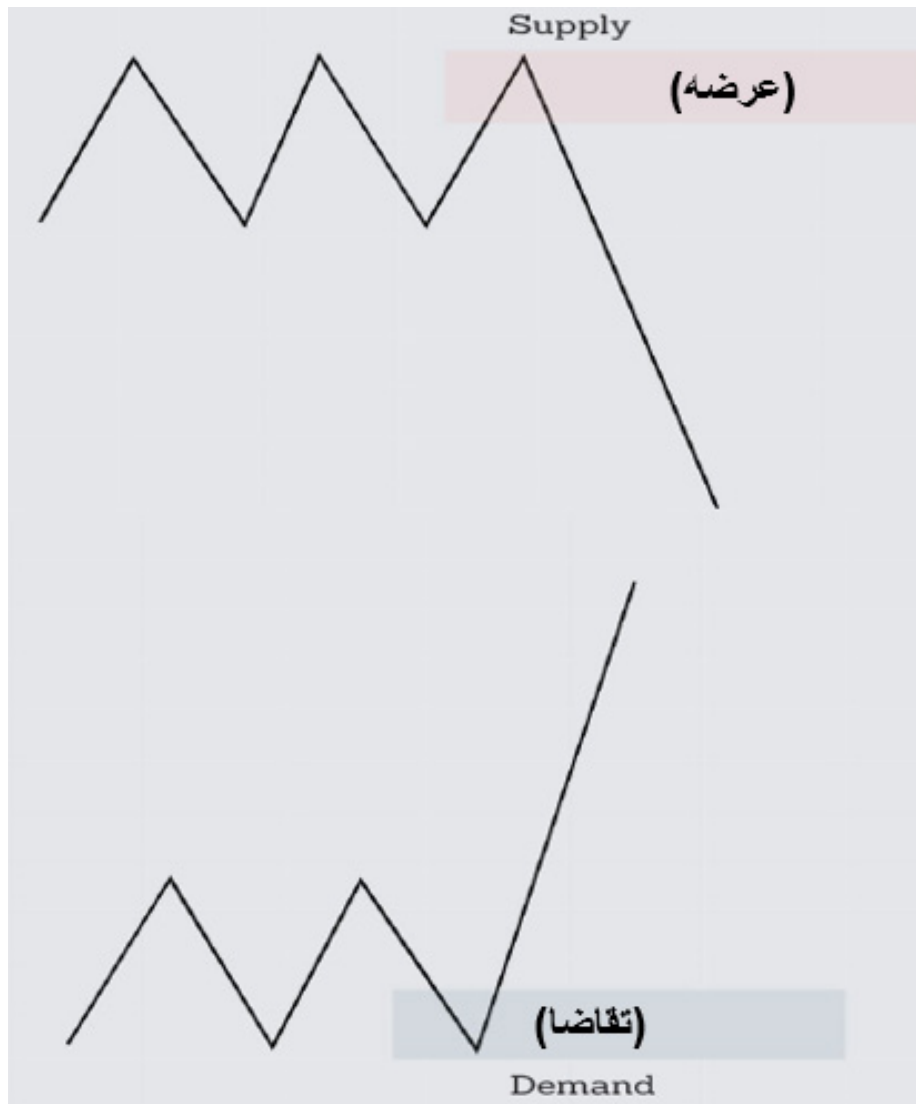
اگرچه این خرید کمی پیشرفته‌تر است (از تنها ناحیه‌ی تقاضای unmitigated)، اما حداقل برای گرفتن سود تا هدف منطقه 50% همچنان معتبر است. در این مورد از ناحیه‌ی نهایی برای گرفتن پوزیشن شورت استفاده می‌کنیم. این معامله کردن صحیح با قیمت گذاری مناسب است. ما قوانین مناسبی برای اجرای معاملات ارائه خواهیم داد، و در حقیقت فقط در این صورت معامله خواهیم کرد. در قسمت بعدی این کتاب در مورد انتخاب POI صحبت خواهیم کرد. چگونه بهترین نواحی عرضه/تقاضا را انتخاب کنیم؟ و چگونه پریمیوم در مقابل دیسکانت با همی اینها ارتباط دارد؟



انتخاب POI

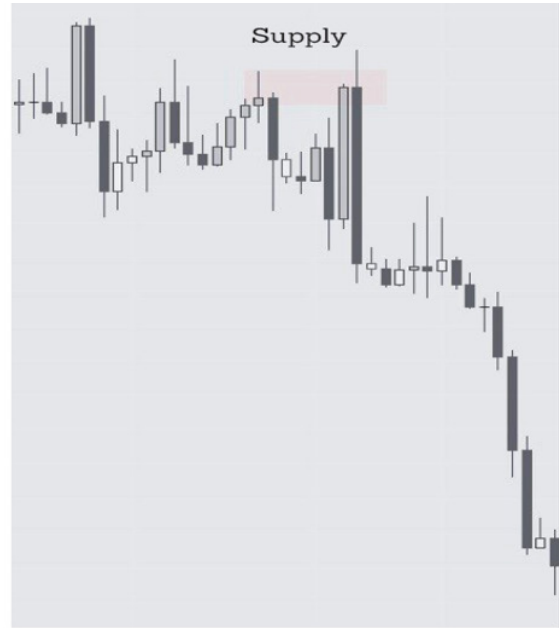
ترسیم نواحی عرضه و تقاضا

بهترین POI ها، ساختار جدیدی ایجاد می‌کنند و وادارسازی (Inducement) دست نخورده و بکری به جای می‌گذارند. در بخش بعدی بیشتر در مورد وادارسازی صحبت خواهیم کرد. در حال حاضر اجازه دهید تا روی کشیدن نواحی عرضه/تقاضا تمرکز کنیم.



انتخاب POI

ترسیم نواحی عرضه و تقاضا



ناحیه‌ی تقاضا از بالای بدنه‌ی آخرین کندل نزولی تا زیر شدوی پایینی آن، قبل از کندل صعودی با مومنتوم بالا، کشیده می‌شود. ناحیه‌ی عرضه با آخرین کندل صعودی قبل از کندل نزولی با مومنتوم بالا کشیده می‌شود، به طوریکه از بالای شدوی بالایی تا پایین بدنه می‌کشیم. عرضه و تقاضا، اردربلاک (OrderBlock) نیز نامیده می‌شود. این موضوع دقیقا به معنای ورود احتمالی BFI ها به بازار می‌باشد. ما می‌خواهیم سوار موج آنها شویم و در میتیگیشن (Mitigation) وارد شویم. این موضوع در تمام تایم فرم‌ها اتفاق می‌افتد.

میتیگیشن در بخش بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت. اگر مطمئن نیستید که با کدام کندل ناحیه را بکشید، زیرا ممکن است در برخی محدوده‌ها گیج کننده باشد، همیشه کندل قبل از ورود مومنتوم به بازار را برای ترسیم نواحی در نظر بگیرید. روش فوق یکی از روش‌های اصلی مبتنی بر اردربلاک است، همچنین روش‌های زیادی برای بهینه‌سازی نواحی عرضه و تقاضا وجود دارد که با گذشت زمان در بازار آنها را بهتر یاد خواهید گرفت. آنها در نواحی رنج، پیووت‌ها و شدوها وجود دارند، اما برای در نظر گرفتن آنها به عنوان اردربلاک باید یک شرط اتفاق بیافتد؛ که باید مومنتوم داشته باشند و بهترین اردربلاک‌ها ساختار جدیدی ایجاد می‌کنند.

انتخاب POI

ترسیم نواحی عرضه و تقاضا



همه‌ی اینها نمونه‌هایی از شکل‌های متنوع نواحی عرضه/تقاضا می‌باشند. در تعیین نواحی عرضه/تقاضا، اگر کندل مورد استفاده به طور قابل ملاحظه‌ای دارای شدوی بزرگتری نسبت به بدنه‌اش باشد، من فقط با شدو ناحیه را ترسیم می‌کنم. اما اگر مطمئن نیستید فقط از روش کلی که قبلاً ارائه شده استفاده کنید.





ناحیه‌ی عرضه/تقاضا چه با رنج یا با پیووت و یا با شدو ترسیم شود، واقعا هیچ تفاوتی ندارد، اینها صرفاً فقط کندل قبل از ورود مومنتوم به بازار می‌باشند.



انتخاب POI

یک بریکربلاک (Breaker Block) اساساً ناحیه‌ی تقاضایی است که تبدیل به عرضه می‌شود، یا ناحیه‌ی عرضه‌ای است که تبدیل به تقاضا می‌شود. برای اینکه این ناحیه معتبر باشد، لازم است که قیمت مستقیماً از سمت POI بدون هیچ گونه واکنشی، داخل ناحیه بیاید. به این معنی که وقتی فشار اتفاق می‌افتد، هیچ شدویی یا نشانه‌ای از مبارزه (مابین خریداران و فروشندگان) وجود نداشته باشد. فشارعبوری باید واضح و تمیز باشد.

(مترجم: برای درک بهتر به توضیحات داخل شکل توجه کنید)



انتخاب POI

بریکر بلاکها



مهمترین چیزی که باید به خاطر بسپارید این است که این موارد دره‌رتایم فرمی و در هر دو سناریوی بازار صعودی و نزولی اتفاق می‌افتد. با این نواحی می‌توان مانند هر ناحیه‌ی عرضه یا تقاضای دیگری رفتار کرد، هنگام رسیدن قیمت به آنها، ما به واکنش قیمت در داخل این نواحی نگاه می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم که آیا می‌خواهیم درگیر معامله شویم یا نه.



انتخاب POI

بریکرها

یک بار دیگر ما دقیقاً یک فشارعبوری واضح و تمیز داریم. مفهوم همان چیزی است که در بالا توضیح داده شد. برای مثال از دو تایم فرم 4H و 15m روی نمودارهای EURUSD و GBPUSD استفاده شده است. اینها در هر تایم فریم و هر جفت ارزی اتفاق می‌افتد.



انتخاب POI

چه چیزی یک ناحیه را قوی یا ضعیف می کند؟

چگونه POI های بهتری را انتخاب کنم؟

چند سوال خوب که باید از خود پرسید عبارتند از :

آن POI چه کرد؟ هرچه بیشتر انجام دهد، POI قوی تر است.

آیا مسئول تشکیل سقف یا کف جدید بود؟ اینها نقاط قویتری هستند و اگر بازار بخواهد به جریان سفارشات فعلی ادامه دهد، احتمالاً از حفاظت BFI برخوردار خواهد بود.

آیا ساختار فرعی (Substructure) یا ساختار بازار را شکسته است؟ POI ای که ساختار جدید ایجاد کرده است، بسیار قوی تر از POI ای خواهد بود که ساختار جدید ایجاد نکرده است.

آیا وادارسازی (Inducement) در نزدیکی POI من وجود دارد؟ این موضوع در بخش وادارسازی نشان داده شده است، اما اگر یک POI وادارسازی دست نخورده داشته باشد، همیشه قوی تر است.

آیا این POI یک CHOC و FLIP ZONE است؟ CHOC ها و FLIP ها در تمام تایم فرمها اتفاق می افتد، نه فقط در تایم فرم ورود به معاملات.

آیا ناحیه Mitigated است؟ اگرچه هیچ پاسخ واقعی برای مدت زمان ماندگاری یک ناحیه وجود ندارد، می توان فرض کرد که هر بار که قیمت به ناحیه وارد می شود، ناحیه ضعیف تر می شود. نواحی Unmitigated همیشه نواحی قوی و عالی هستند که بعد از ترسیم آن باید به دنبال بازگشت قیمت به آن بود.

قیمت گذاری پرمیوم در مقابل دیسکانت (Premium vs Discount) ساده ترین مفهوم می باشد، درعین حال اغلب نادیده گرفته می شود. ما می خواهیم معاملات خوبی در امر سرمایه گذاری خود داشته باشیم. بسیاری از ما مفهوم ساده قیمت گذاری را فراموش می کنیم.

نقدینگی و مومنتوم (Liquidity and Momentum) آیا POI ما قبل از ایجاد شدن حرکت با مومنتوم بالا، نقدینگی (LQ) را شکار کرده است (شدویی که نقدینگی را شکار می کند)؟ کندل های نزولی بزرگتر هستند یا کندل های صعودی؟ چقدر طول کشید تا قیمت بالا یا پایین رود؟ حرکت های با مومنتوم (شتاب و قدرت) بالا معمولاً نشانه ای از حضور BFI هستند، فرض بر این است که این نواحی تا حدودی دارای حفاظت خواهند بود.



انتخاب POI

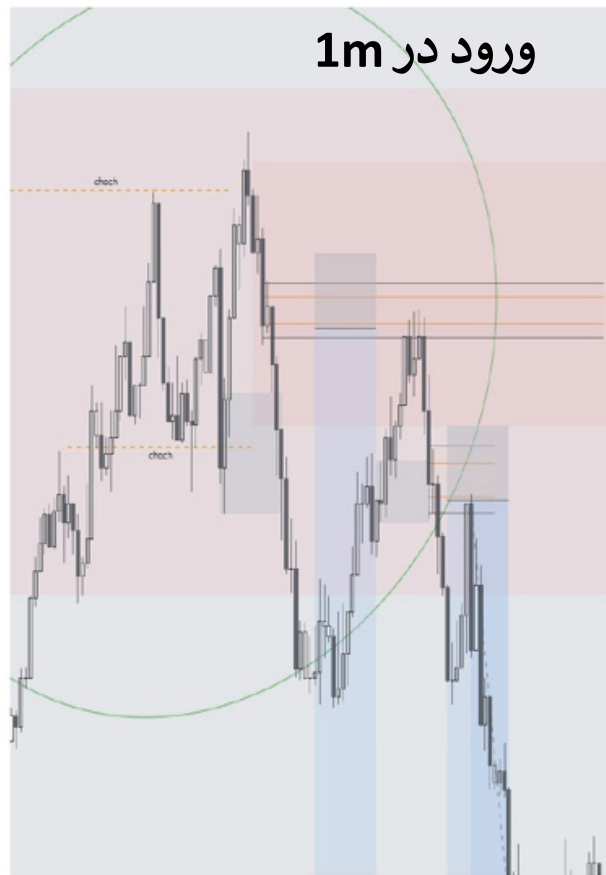
چرخ زدن در میان تایم فرم‌ها

مردم به سرعت تایم فرم‌ها را نادیده می‌گیرند. من از همه چیز در تایم فرم 10m تا 30m برای پیدا کردن نواحی میکرو خود استفاده می‌کنم. این تایم فرم‌ها شامل 11m ، 12m ، 13m ، 20m می‌شود. گاهی اوقات برای یافتن یک POI مناسب، باید به این تایم فرم‌های دیگر نگاه کنیم.

ها را واضح‌تر و تمیزتر و سریع‌تر FLIPها و CHoCH چرخ زدن در میان تایم فرم‌ها نیز می‌تواند به ما کمک کند، (تایم فرم بالا) داریم. HTF پیدا کنیم و در یک معامله استفاده کنیم. برای ورود به معامله نیاز به تایید به دست می‌آوریم، که m14 الی m14 از تایم فرم‌های 10m را به جای تایم فرم 15m CHoCH گاهی اوقات احتمالاً به صورت شدو ظاهر می‌شوند و چشمان شما ممکن است به این راحتی برای دیدن آنها ورزیده نشود.



انتخاب POI

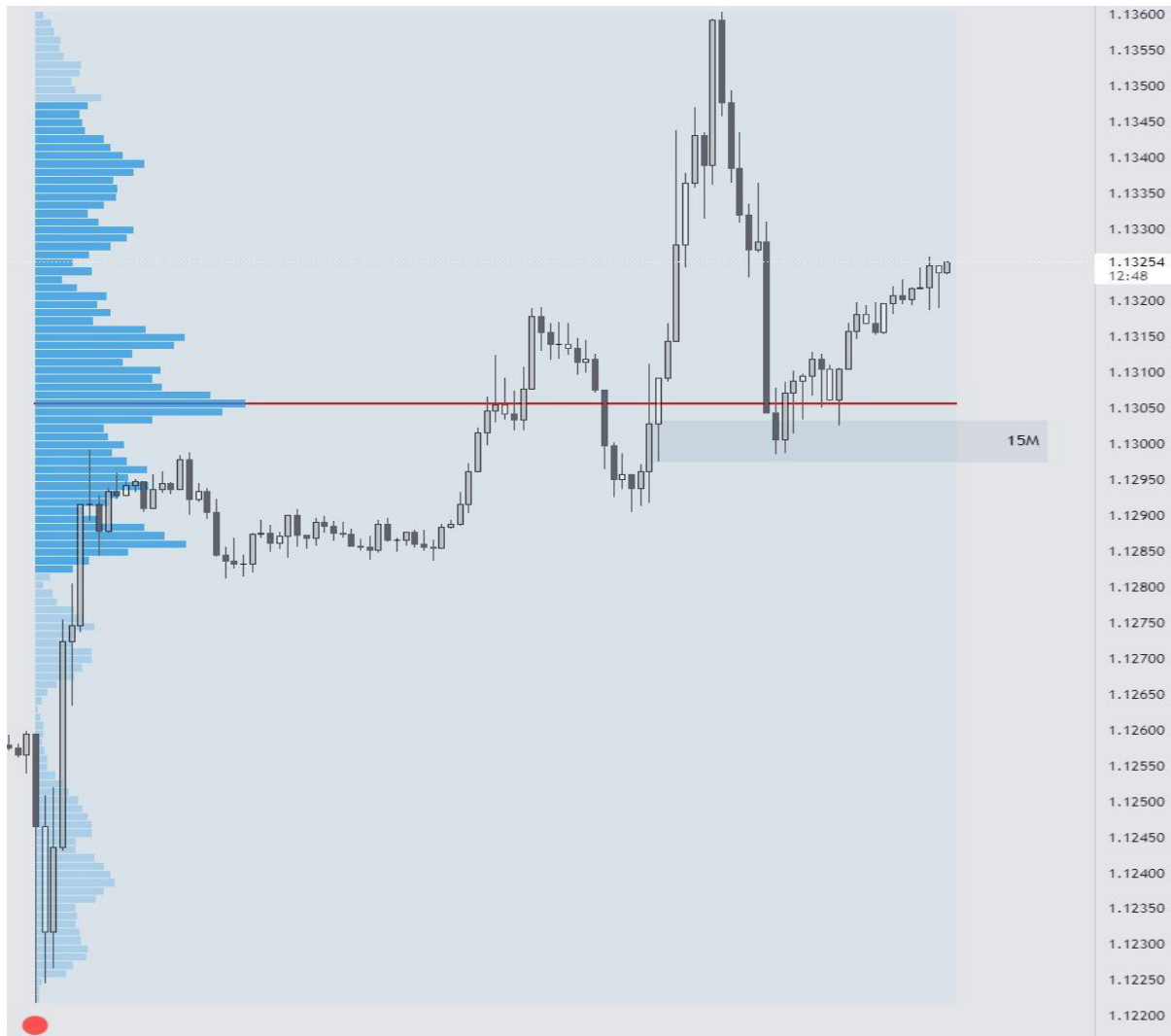


توجه داشته باشید که چگونه چرخ زدن در میان تایم فرمها، می تواند همپوشانی تایم فرم پایین با تایم فرم بالاتر را به زیبایی و واضح و شفاف نشان دهد، که ممکن است در غیر این صورت متوجه آن نشده باشید. چشمان ما خسته و هیپنوتیزم می شوند. گاهی اوقات تغییر تایم فرمها باعث می شود، مواردی را ببینیم که اگر تایم فرم خود را عوض نمی کردیم، آنها را از دست می دادیم.

ترسیم یک ناحیهی عرضه یا تقاضا با یکدیگر تفاوتی ندارد. ممکن است یک ناحیه در تایم فرم 13m از تایم فرم 15m برای شما تمیزتر و واضح تر به نظر برسد. از تایم فرمها به نفع خود استفاده کنید.



انتخاب POI



ابزار حجم رنج (Range Volume) می‌تواند برای شناسایی POIها نیز بسیار مفید باشد. ناحیه‌ی تقاضایی که من بواسطه‌ی یک کندل اینسایدبار (Inside Bar) کشیده‌ام، نه تنها علت تبدیل (FLIP) ناحیه‌ی عرضه به تقاضا می‌باشد، بلکه بالاترین حجم معاملات را نیز دارد. می‌توان فرض کرد که BFIها تا حدی از آن محافظت می‌کنند. متأسفانه Forex.com حجم ندارد، بنابراین اگر می‌خواهید از این ابزار استفاده کنید، توصیه می‌کنم از OANDA استفاده کنید. Forex.com دقیق‌ترین نمودارها را دارد، و OANDA از این لحاظ در رتبه‌ی دوم قرار دارد. همچنین از FXCM دوری کنید.

هر افزایش حجم شدید یک POI بالقوه است.



ایجاد شدن نواحی

انباشته‌گی سفارشات BFI

BFI ها آنقدر سفارشات بزرگی دارند که نمی‌توانند تمام سفارشات بزرگ خود را بدون ایجاد اختلال در بازار پردازش کرده و اجرا کنند. هر جفت ارزی دارای یک ADR (میانگین رنج روزانه) خاصی می‌باشد. BFI ها باید ADR را رعایت کنند و به آن احترام بگذارند، بنابراین در طول ماه، حرکات قیمتی جفت ارز به طور میانگین به تعداد مشخصی پیپ در هر روز خواهد رسید. این میانگین برای EURUSD تقریباً ۶۸ پیپ در روز و برای GBPUSD تقریباً ۱۲۰ پیپ در روز می‌باشد. در طول ماه، میانگین محدوده روزانه (ADR) باید نزدیک به این اعداد باشد. BFI ها در چارچوب این دستورالعمل‌ها کار خواهند کرد. اگر یک BFI به سادگی سفارش صد هزار لاتی (عدد به طور تصادفی برای مثال زدن انتخاب شده) در EURUSD بدهد، بازار دیوانه‌وار بالا می‌رود (به شرط اینکه سفارشات واقعاً پر شده باشند). همچنین باید صد هزار لات سفارش از سمت مخالف نیز انجام شود. به این معنی که اگر یک BFI بخواهد صد هزار لات EURUSD بخرد، باید اشخاصی وجود داشته باشند که صد هزار لات به آنها بفروشند. معمولاً بازار نمی‌تواند این سفارشات بزرگ را پر کند، زیرا نقدینگی کافی برای این کار در دسترس نیست.

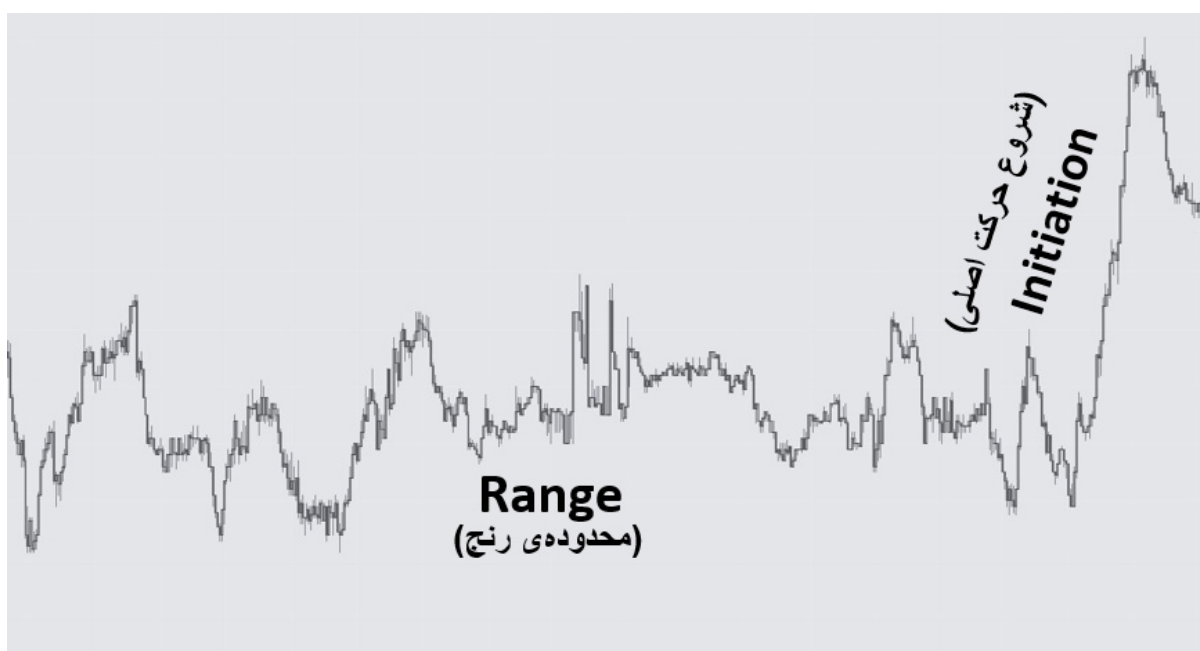
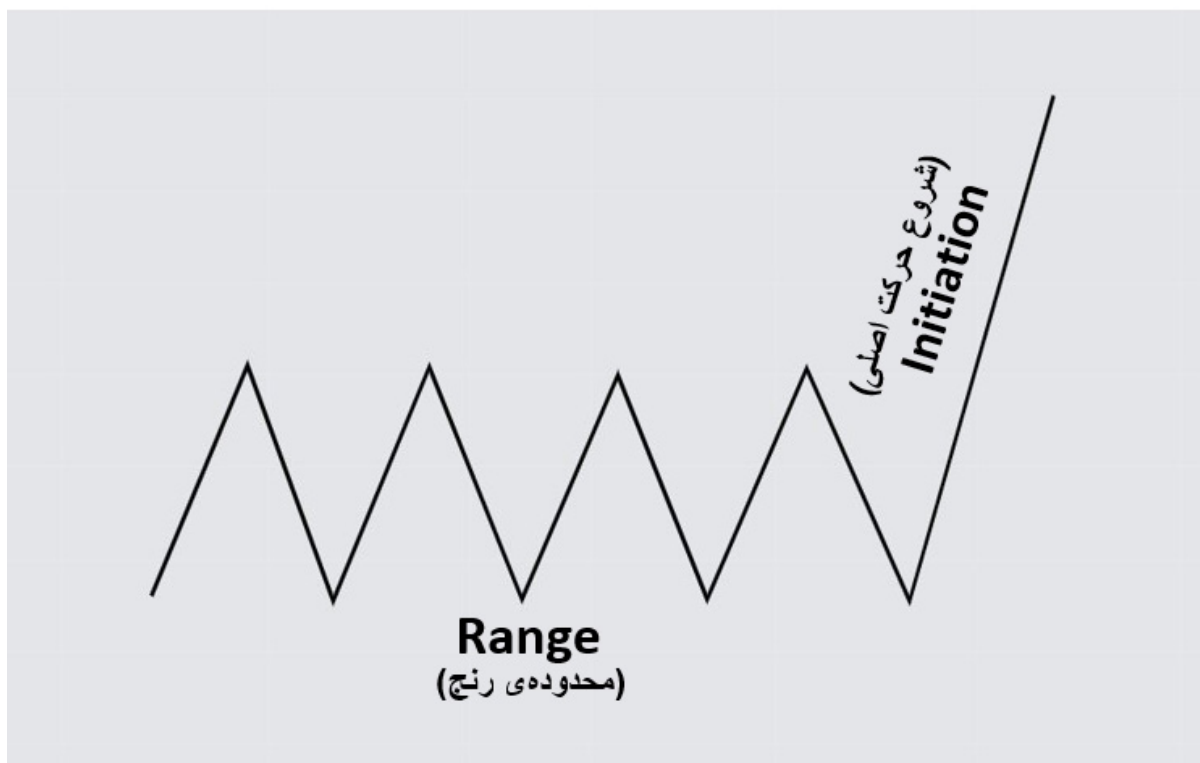
بنابراین آنها چه می‌کنند و چگونه نقدینگی به دست می‌آورند؟

آنها نقدینگی خود را تولید می‌کنند. آنها هر دو نوع سفارشات خرید و فروش را همزمان با هم اجرا می‌کنند و بازار را به حالت رنج یا سایید درمی‌آورند، تا زمانی که به اندازه‌ی کافی، سفارشات دلخواه خود را جمع‌آوری کنند. هنگامی که میزان سفارشات دلخواه به دست آمد، قیمت شروع به خارج شدن و ترک کردن محدوده‌ی رنج می‌کند. سپس آنها به محدوده‌ی رنج بازمی‌گردند و شروع به تخلیه و بستن پوزیشن‌های خلاف جهت اصلی حرکت قیمت می‌کنند، تا از ضرر خارج شوند و افت سرمایه‌ی (Drawdown) خود را کاهش دهند. در این مثال، آنها هر دو نوع معاملات خرید و فروش را انجام دادند، درحالی‌که یک پروسه‌ی خرید و صعود قیمت شروع شده است، بنابراین با خروج از محدوده‌ی رنج، پوزیشن‌های خرید آنها در سود خواهد بود؛ با این حال، آنها در تمام پوزیشن‌های فروش خود در ضرر خواهند بود، بنابراین به آرامی به محدوده‌ی رنج بازمی‌گردند و از پوزیشن‌های فروش خود خارج می‌شوند (مترجم: این عمل Mitigation نام دارد). آنها برخی از پوزیشن‌های فروش خود را با ضرر، برخی را در سربه سر، و برخی را با سود ناچیز خلاص می‌کنند و سپس حرکت واقعی (رو به بالا و در جهت خرید) آغاز می‌شود.

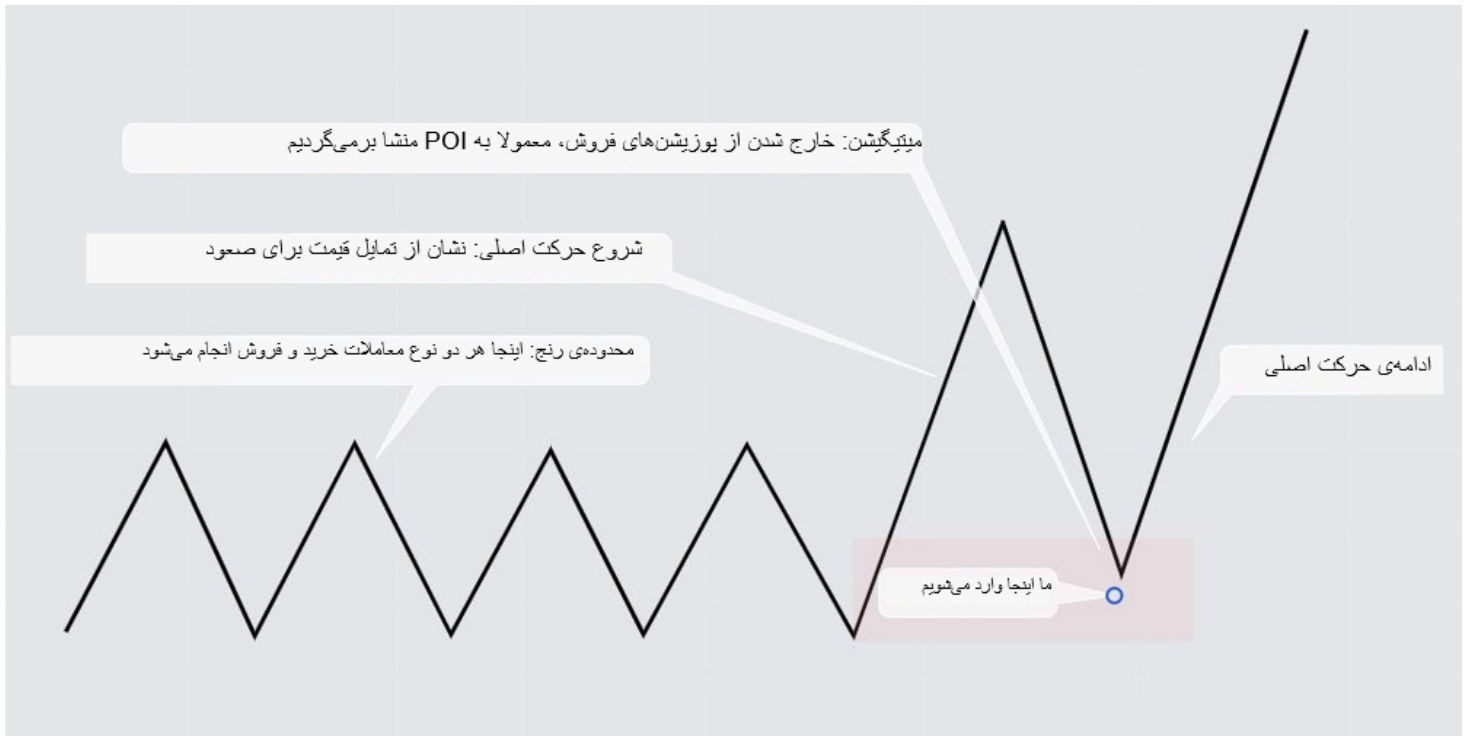


ایجاد شدن نواحی

انباشتگی سفارشات BFI



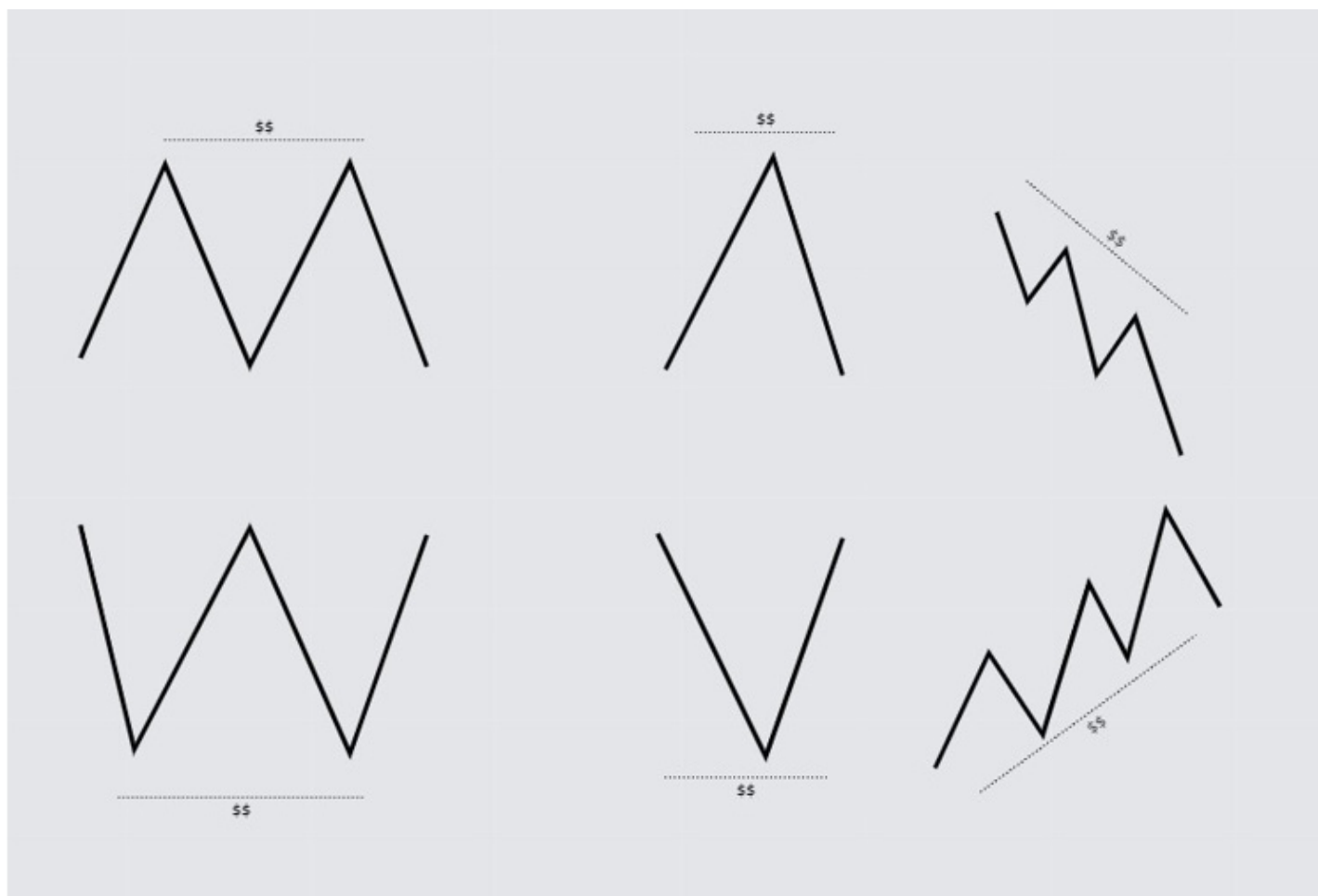
میت‌گیشن (Mitigation)



محدوده‌ی رنج، شروع حرکت اصلی، میت‌گیشن، ادامه‌ی حرکت اصلی



نقدینگی (Liquidity) و وادار سازی (Inducement)



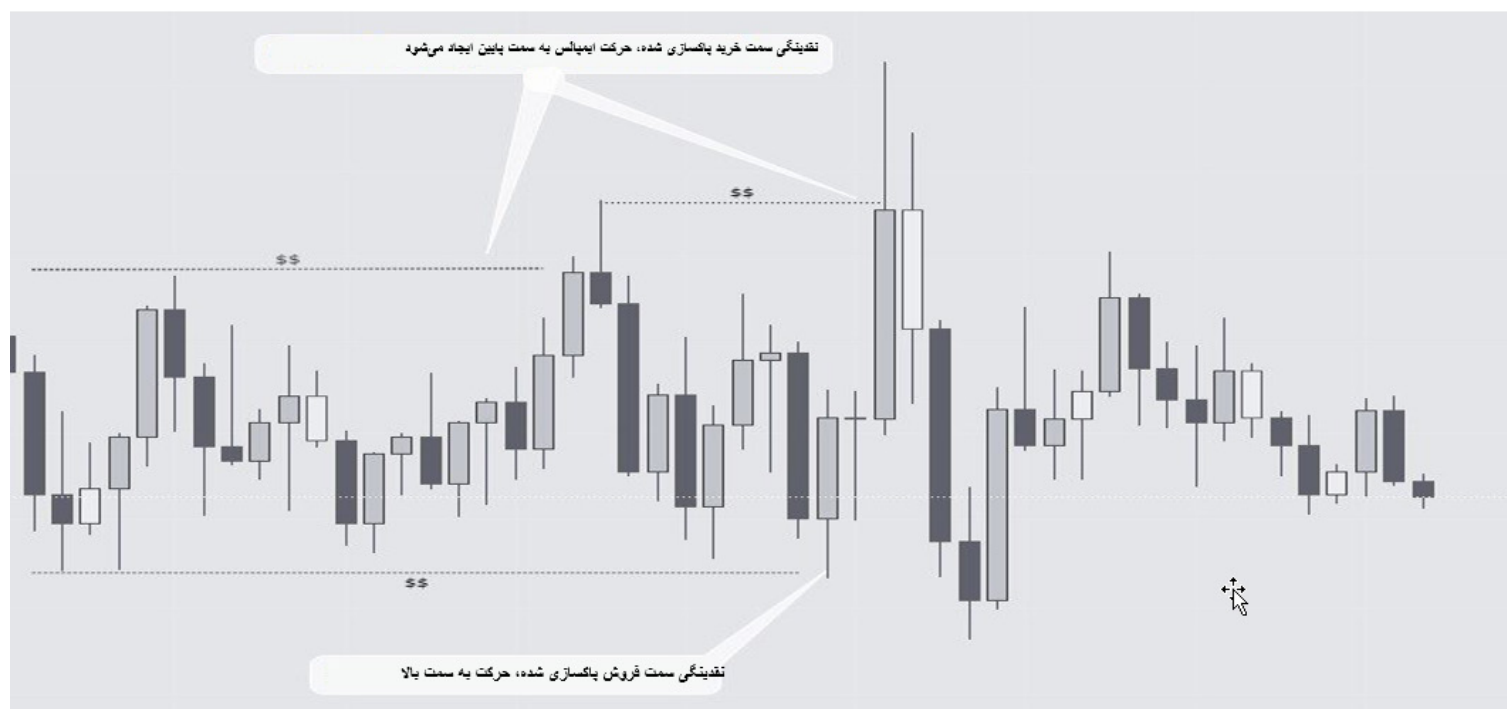
نقدینگی

نقدینگی در همه جای بازار وجود دارد. بازار برای حرکت به نقدینگی نیاز دارد. نقدینگی مانند بنزین مورد نیاز خودروی شما برای رسیدن از نقطه a به نقطه b می باشد. در تمام نقاطی که روی نمودار مشخص کرده ام، دستور سفارشات و حد ضررها وجود دارد. الگوریتم های بازار طوری برنامه ریزی شده اند که با حرکت به سمت نقدینگی ها، آنها را جمع آوری می کنند، فقط ما نمی دانیم چه زمانی این اتفاق رخ خواهد داد.

بنابراین بله، آگاهی از مفهوم نقدینگی بسیار خوب است، مخصوصاً زمانی که پاکسازی شده باشد. معمولاً هنگامی که نقدینگی پاکسازی می شود و تشکیل یک حرکت ایمپالس در جهت مخالف را می بینیم، می تواند یک همپوشانی بزرگی در جهت شکل گیری یک ایده، برای انجام یک معامله در آنجا باشد، به شرطی که در جهت روند باشد و توسط سایر فاکتورهای همپوشانی، پشتیبانی شود.



نقدینگی (Liquidity) و وادار سازی (Inducement)



گسترش رنج (Range Expansion)

این سناریو بارها و بارها تکرار خواهد شد. یک محدوده‌ی رنج ایجاد می‌شود. نقدینگی طرف خرید و فروش ۲ تا ۴

بار قبل از اینکه حرکت اصلی مورد نظر اتفاق بیفتد پاکسازی می‌شود. در ذهن خود این موضوع را در دستور کار قرار دهید، زیرا می‌تواند یک همپوشانی عالی برای اضافه کردن به برنامه معاملاتی شما باشد. به عنوان مثال، اگر نقدینگی قبل از تشکیل حرکت ایمپالس پاکسازی شود، اردربلاک قوی‌تری تشکیل خواهد شد، نسبت به حالتی که نقدینگی پاکسازی نشود.

ما به عنوان معامله گران BFI، باید به این جزئیات بسیار دقیق‌تر نگاه کنیم. خارج شدن قیمت از محدوده‌ی رنج عالی است، اما قیمت چگونه از محدوده‌ی رنج خارج شده است؟ آیا پاکسازی نقدینگی صورت گرفته است؟ آیا سقف‌ها یا کف‌های برابر ایجاد شده است؟ آیا زمانیکه مومنتوم وارد بازار شد، کندل اینگالف شده بود؟ واکنش اولیه چگونه بود؟ تهاجمی و سریع بود؟ یا تهاجمی و سریع نبود؟ ما در این کتاب در مورد واکنش‌ها بیشتر صحبت خواهیم کرد. اینها جزئیاتی است که باید به آنها توجه کنید. به همین دلیل است که من توصیه می‌کنم هر کس حداکثر ۲ جفت ارز را معامله کند! نواحی که دارای نقدینگی هستند، می‌توانند برای کسب سود، هدف بسیار عالی و مناسبی باشد.



وادرسانی (Inducement)

نقدینگی ایجاد شده قبل از یک اردربلاک



وادرسانی (Inducement)

تئوری

از لحاظ تئوری اگر بعد از تشکیل یک ناحیه‌ی عرضه/تقاضا، قیمت با ایجاد سقف/کف جدید وادرسانی ایجاد کند، آن عرضه/تقاضا باید POI بهتری ایجاد کند، نسبت به حالتی که وادرسانی نداریم. اگر وادرسانی همچنان دست نخورده و بکر باقی بماند، POI مان از شانس بیشتری برای عمل کردن و نگه داشتن قیمت برخوردار خواهد بود. اگر وادرسانی پاکسازی شود و یک سقف جدید یا کف جدید بدون وارد شدن قیمت به POI مان ایجاد شود، در دفعه‌ی بعد که به آن POI برمی‌گردیم، شانس بسیار پایین‌تری برای عمل کردن و نگه داشتن قیمت خواهیم داشت، زیرا دیگر وادرسانی دست نخورده نیست و مصرف شده است. از نقدینگی (یا وادرسانی) به عنوان سوخت برای ایجاد حرکت در قیمت استفاده می‌شود. هنگام انتخاب POI ها، به دنبال وادرسانی باشید.

یک حرکت ایمپالس شدید و تهاجمی بدون وادرسانی نیز حتی شانس پایین‌تری برای عمل کردن و نگه داشتن قیمت دارد. با در نظر گرفتن این تئوری، می‌توانیم حدس بزنیم که اگر قیمت به POI اصلی برسد، احتمالاً شکسته خواهد شد.



چون وادرسانی نداشته‌ایم، POI شکسته می‌شود

سقف‌ها/کف‌های محافظت شده در مقابل هدف قرار گرفته

(همچنین سقف‌ها/کف‌های قوی و ضعیف نیز نامیده می‌شود)

کف‌ها و سقف‌ها یک وظیفه‌ای برای انجام دادن دارند. وظیفه‌ی یک کف، شکستن یک سقف است. وظیفه‌ی یک سقف هم، شکستن یک کف می‌باشد. اگر یک کف بتواند یک سقف جدیدی را ایجاد کند، یک کف قوی (محافظت شده) در نظر گرفته می‌شود. اگر یک سقف بتواند یک کف جدیدی را ایجاد کند، یک سقف قوی (محافظت شده) در نظر گرفته می‌شود. با در نظر گرفتن دقیقاً همین تئوری، اکنون می‌توان گفت که ما دائماً در حال ایجاد سقف‌های جدیدی هستیم و ناگهان نمی‌توانیم یک سقف جدید ایجاد کنیم، حال چه اتفاقی برای کف می‌افتد؟؟ این یک واکنش ناموفق در نظر گرفته می‌شود و اکنون آن کف ضعیف (هدف قرار گرفته) می‌شود.



از سوی دیگر، اگر ما به طور مداوم در حال ایجاد کف‌های جدید باشیم و بالاخره ناگهان نتوانیم کف جدید ایجاد کنیم، آن سقف ضعیف (هدف قرار گرفته) می‌شود و احتمالاً شکسته خواهد شد. همراه با دیگر همپوشانی‌هایی که قبلاً در این کتاب آموزش داده شد، می‌توانیم ایده‌ی بهتری در مورد اینکه کجا اقدام به برداشت سودمان کنیم و کدام POIها باید عمل کند و قیمت را نگه دارد، و کدام یک عمل نمی‌کند و قیمت را نگه نمی‌دارد، داشته باشیم.

سقف‌ها/کف‌های محافظت شده در مقابل هدف قرار گرفته

(همچنین سقف‌ها/کف‌های قوی و ضعیف نیز نامیده می‌شود)

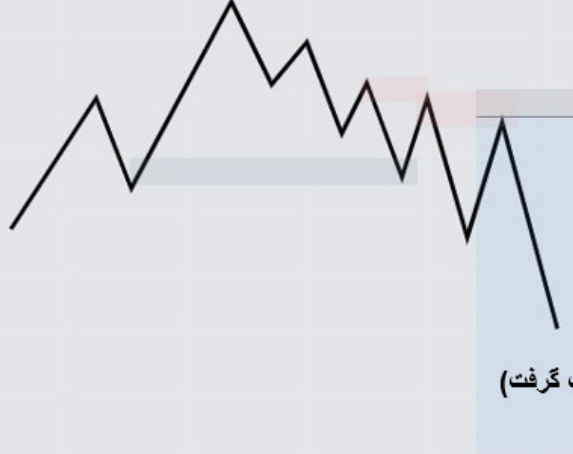
ما اردرهای خود را در نقاط قوی و حد سودهای خود را در نقاط ضعیف قرار می‌دهیم. یک کف باید با بسته شدن بدنه‌ی کندل در HTF (تایم فرم بالاتر) شکسته شود. در تایم فرم‌های 1m و به پایین می‌توانیم شدوها را نیز به عنوان شکست در نظر بگیریم. در تایم فرم 15m یا بالاتر می‌خواهیم شکست با بدنه‌ها را ببینیم، چرا که شدوها به تنهایی معمولاً فقط یک پاکسازی نقدینگی می‌باشند.



در مثال زیر، ما به زیر ناحیه‌ی تقاضا شدو می‌زنیم اما نمی‌توانیم آن را بشکنیم. اکنون آن سقف ضعیف محسوب می‌شود و شکسته خواهد شد. به خاطر داشته باشید که ما در اینجا، جریان سفارشات یک روند صعودی را دنبال می‌کنیم. این تئوری در تمام تایم فرم‌ها کاربرد دارد. از آن برای درک جریان حرکت در HTF (تایم فرم بالاتر) استفاده کنید.

(تبدیل تقاضا به عرضه، تقاضا در بازار تحت کنترل بود، عرضه کنترل را به دست گرفت)

D2S Flip, demand was in control, supply took control



S2D Flip, supply lost control, demand took control

(تبدیل عرضه به تقاضا، عرضه در بازار تحت کنترل بود، تقاضا کنترل را به دست گرفت)

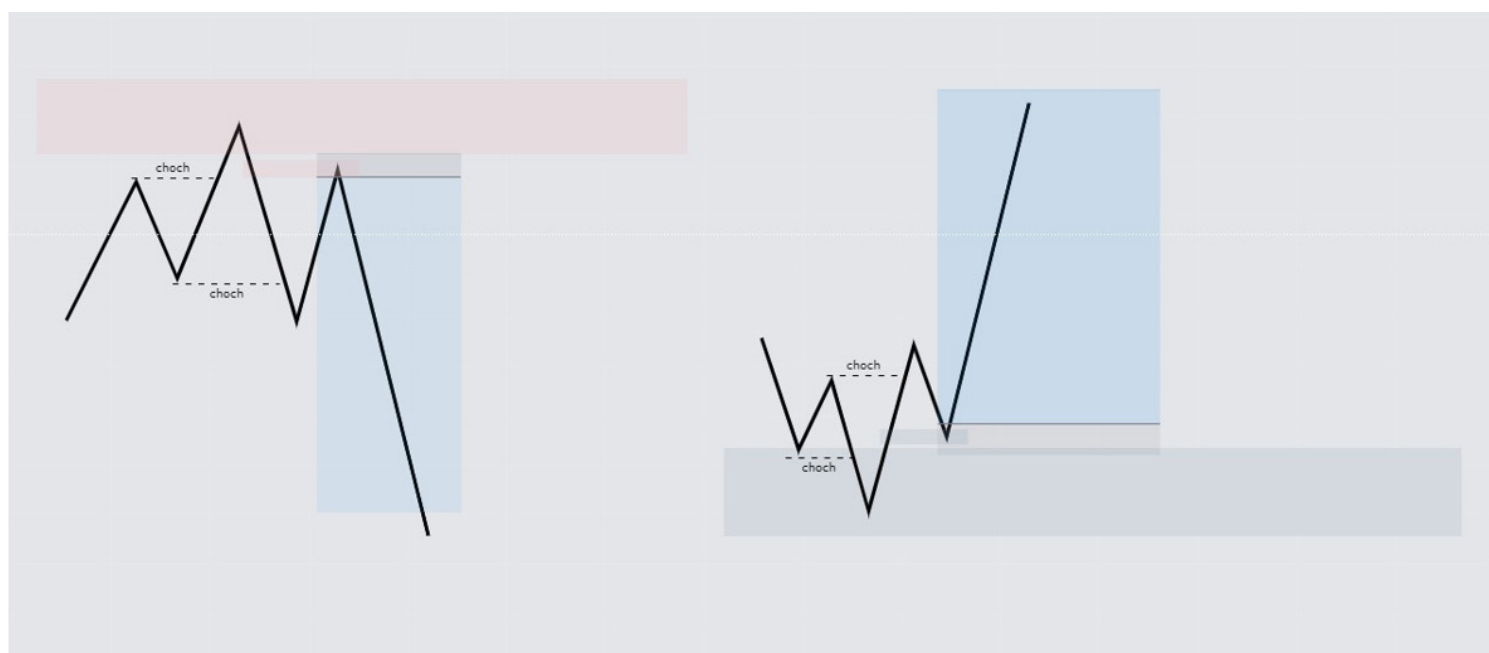


نواحی تبدیل شده (Flip Zones) و تغییر ماهیت (CHange Of CHaracter)

تبدیل ناحیه‌ی عرضه به تقاضا و تقاضا به عرضه (S2D and D2S Flips)

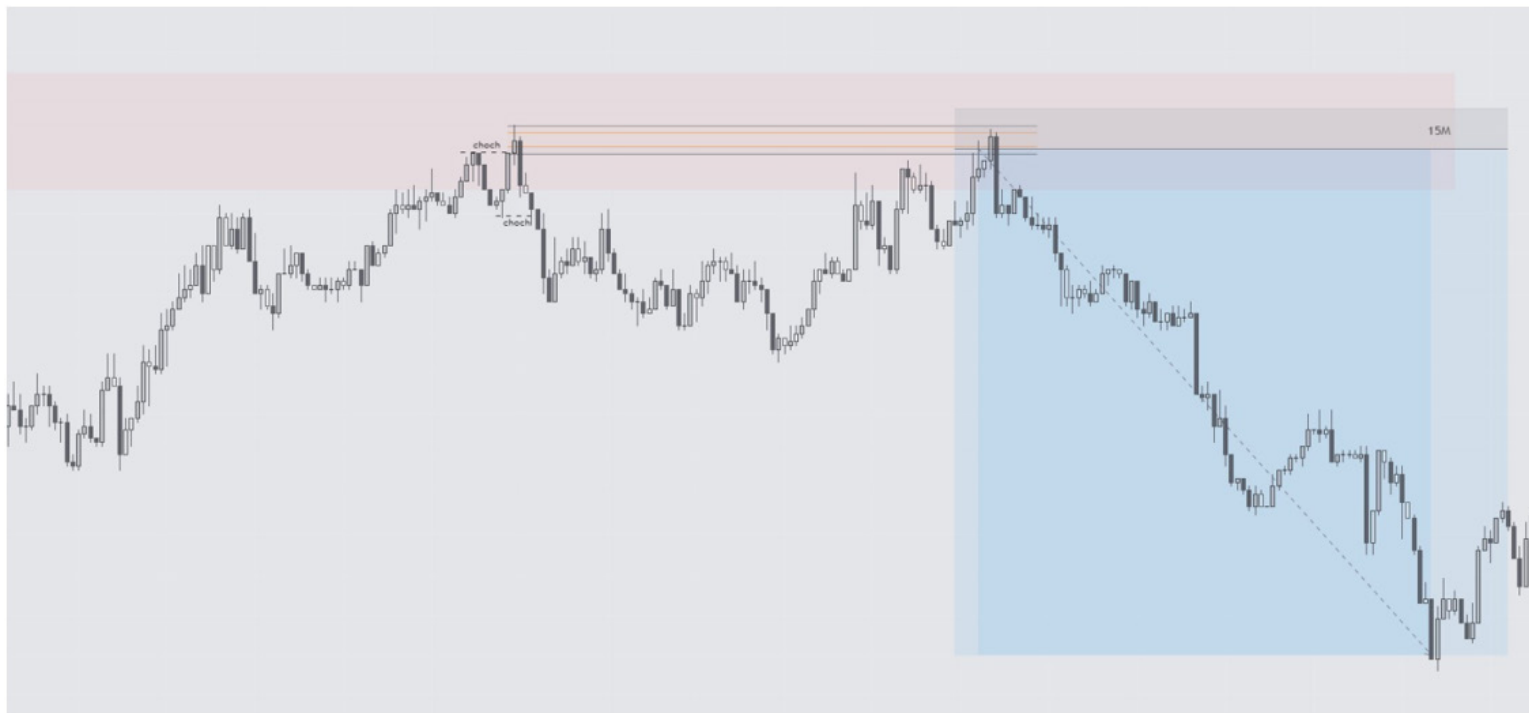


یک ناحیه‌ی فلیپ (Flip) اساساً فقط مکانی است که خریداران کنترل را از فروشندگان می‌گیرند یا برعکس. این روش به تنهایی برای ورود به یک معامله کافی نیست. اگر این فقط یک فلیپ است، بنابراین ما می‌خواهیم از آن در جهت روند استفاده کنیم. اگر می‌خواهیم در خلاف جهت روند معامله کنیم، به یک CHoCH (تغییر ماهیت) در جهت یک POI تایم فرم بالاتر (HTF) نیازمندیم.



نواحی تبدیل شده (Flip Zones) و تغییر ماهیت (CHoCH)

CHoCH - تغییر روند احتمالی



مثال بالا یک تغییر ماهیت (CHoCH) است. تفاوت اصلی بین CHoCH و فلیپ (Flip) این است که یک فلیپ می‌تواند در حالت ادامه دهنده روند اتفاق بیفتد. فلیپ نقدینگی را پاکسازی نمی‌کند، و می‌توان از آن، بعد از خروج از یک POI، در جهت ادامه‌ی روند استفاده کرد. اما CHoCH نقدینگی را پاکسازی می‌کند، و در خلاف جهت روند حرکت می‌کند، و همیشه در جهت یک POI تایم فرم بالاتر (HTF) می‌باشد (در جهت تایم فرم 15m و به بالاتر).





مدیریت معامله

من از ۲ روش مختلف در مدیریت معاملات استفاده می‌کنم. در EURUSD اگر حد ضرر کمتر از ۲/۵ پیپ باشد، ۲۰٪ از حجم پوزیشن خود را در ریوارد به ریسک ۴ (4R) می‌بندم تا ریسک را پوشش دهم و استاپ‌هایم را باز بگذارم (به عنوان مثال حد ضرر من ۱/۵ پیپ می‌باشد و در ۶ پیپ سود قرار دارم، بنابراین ۲۰٪ از حجم پوزیشن خود را می‌بندم، و اگر ۱۰ لات EURUSD در ریوارد به ریسک ۴ (4R) داشته باشم، ۲ لات آن را می‌بندم و به ۸ لات باقی مانده اجازه‌ی ادامه می‌دهم). اگر حد ضرر بزرگتر از ۲/۵ پیپ باشد، به محض اینکه اولین ناحیه‌ی عرضه یا تقاضای تایم فرم 1m شکسته شود، حد ضرر را به نقطه‌ی ورود یا همان بریک ایون (Break Even) انتقال می‌دهم.

قانون شماره ۱ معامله‌گری، محافظت از سرمایه‌مان است. هر روشی را که برای مدیریت معاملات خود انتخاب می‌کنید، مطمئن شوید که ریسک را در اسرع وقت خنثی می‌کنید.

معامله با مدل‌های ادامه دهنده‌ی روند اغلب از معامله با مدل‌های بازگشت روند بسیار بیشتر موفق هستند. روند دوست شما است تا زمانیکه خاتمه یابد.



در کنار هم قرار دادن تمام موارد

روند صعودی تایم فرم 4H در دیسکانت

زمان اجرای معامله در اینجا به سختی قابل مشاهده است، اما ساعت ۸:۴۵ صبح به وقت لندن است، و در کیل زون تایم لندن که حجم در بالاترین حد خود است، قرار داریم. هر دو گام تایم فرمهای 4H و 15m در دیسکانت قرار دارند. در حال انجام یک معامله‌ی خرید عالی هستیم. به عنوان یک سرمایه‌گذار، ما به دنبال معاملات عالی هستیم، بنابراین معامله‌ی خرید را در دیسکانت باز می‌کنیم و با فروش آن در پریمیوم سود می‌کنیم.

زمانیکه قیمت وارد ناحیه‌ی تقاضای 4H می‌شود، یک تغییر ماهیت (CHoCH) در 15m شکل می‌گیرد. سپس ما ناحیه‌ی تقاضای 15m که باعث تشکیل CHoCH شده را ترسیم می‌کنیم، و منتظر CHoCH در تایم فرم 1m و شکل‌گیری فلیپ (Flip) می‌مانیم و بعد معامله‌ی خود را اجرا می‌کنیم. سقف ضعیف 15m حد سود ما خواهد بود. ما در جهت روند 4H و در دیسکانت خرید می‌کنیم و جریان سفارشات انتظاری را دنبال می‌کنیم. معامله با مدل‌های ادامه دهنده‌ی روند اغلب از معامله با مدل‌های بازگشت روند بسیار بیشتر موفق هستند. این یک معامله‌ی برنامه‌ریزی شده با ریوارد به ریسک (R/R) ۳۸ می‌باشد (38R).



در کنار هم قرار دادن تمام موارد





این برنامه دنبال شد، و معامله در جهت روند تایم فرم بالاتر انجام شد. این معامله در کیل زون تایم نیویورک به هدف رسید. مهم نیست در کدام کیل زون وارد معامله می‌شوید، راه و روش همان است، ایده‌ها را در کنار هم بگذارید و یک برنامه برای چگونگی اجرای آنها، ایجاد کنید. در صورت نیاز می‌توانید یک یا دو بار قسمتی از آن را حذف کنید. اگر می‌خواهید سریعتر به پولتان برسید و معاملات کوچکتری داشته باشید، پس سقف‌ها/کف‌های ضعیف را در تایم فرم‌های پایین‌تر هدف بگیرید.



در کنار هم قرار دادن تمام موارد

4H



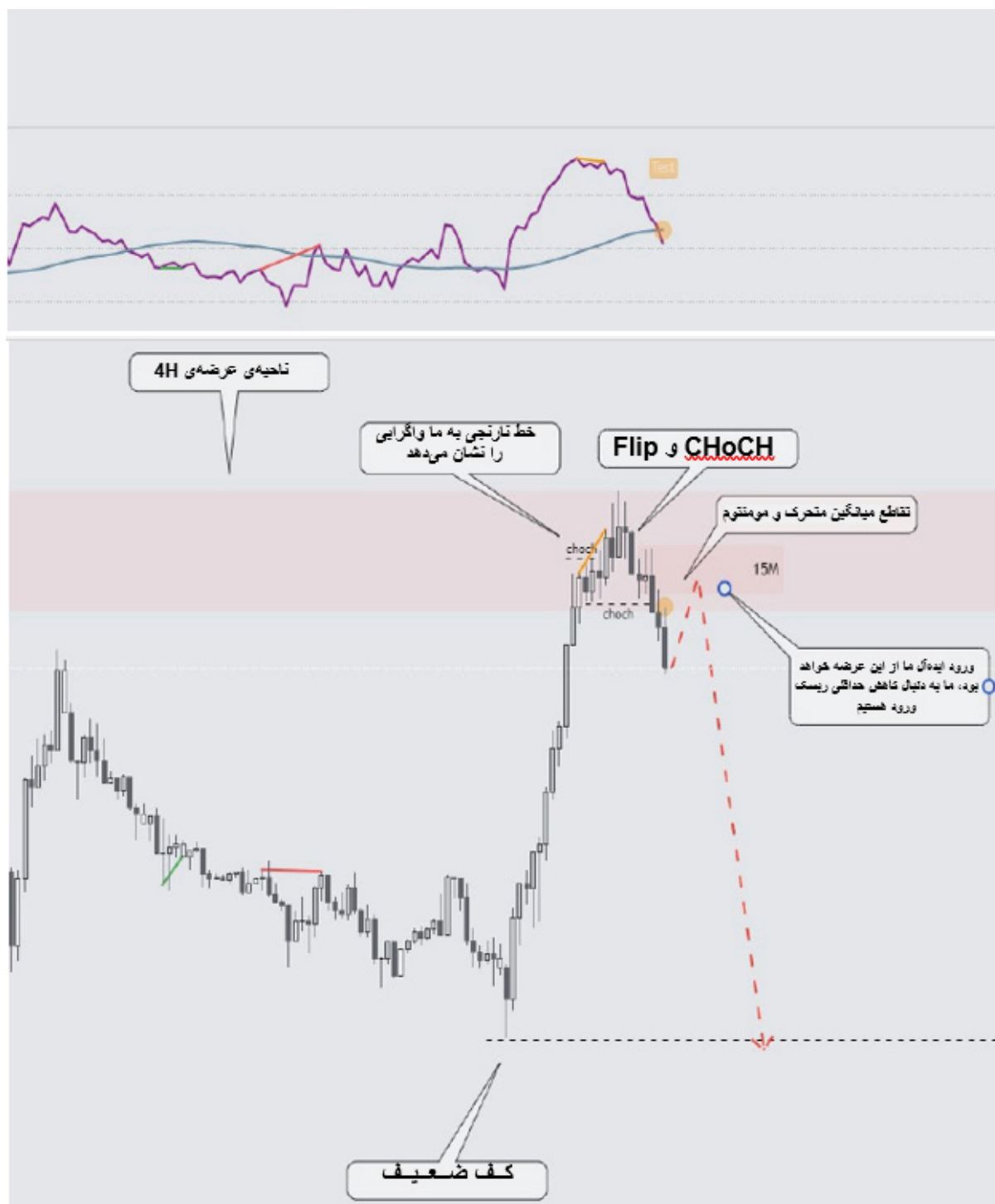
مثال ۲

تایم فرم‌های 4H و Daily هر دو در مثال بالا نزولی هستند، و احتمال موفقیت معامله‌ی فروش بیشتر است. از اینجا به بعد به تجزیه و تحلیل نمودار 15m خواهیم پرداخت و به دنبال همپوشانی برای ورود خواهیم بود. ستاپ معاملاتی ایده‌آل ما یک CHoCH و فلیپ در تایم فرم 15m است که منجر به یک CHoCH و فلیپ دیگری در تایم فرم 1m می‌شود. چیزی که باید به خاطر داشته باشید این است که اگر تایم فرم 15m واضح و تمیز به نظر نمی‌رسد، باید در تایم فرم‌های دیگر بچرخید تا نمودار قیمت ستاپ‌های معاملاتی واضح‌تر و تمیزتری را به شما نشان دهد. مثال زیر در واقع تایم فرم 13m است، زیرا واضح‌تر و تمیزتر به نظر می‌رسد. گاهی اوقات این تایم فرم‌ها نیز به ما همپوشانی‌های اضافه‌تری می‌دهد که برای ورود به معاملات نیاز داریم.

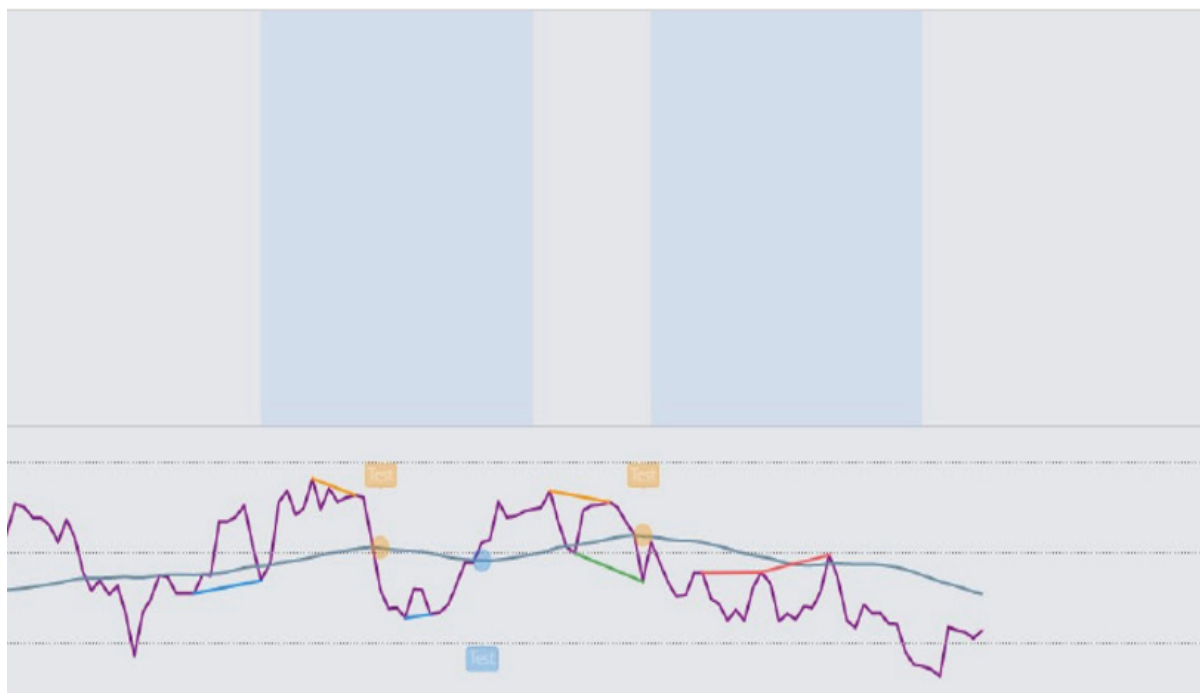


در کنار هم قرار دادن تمام موارد

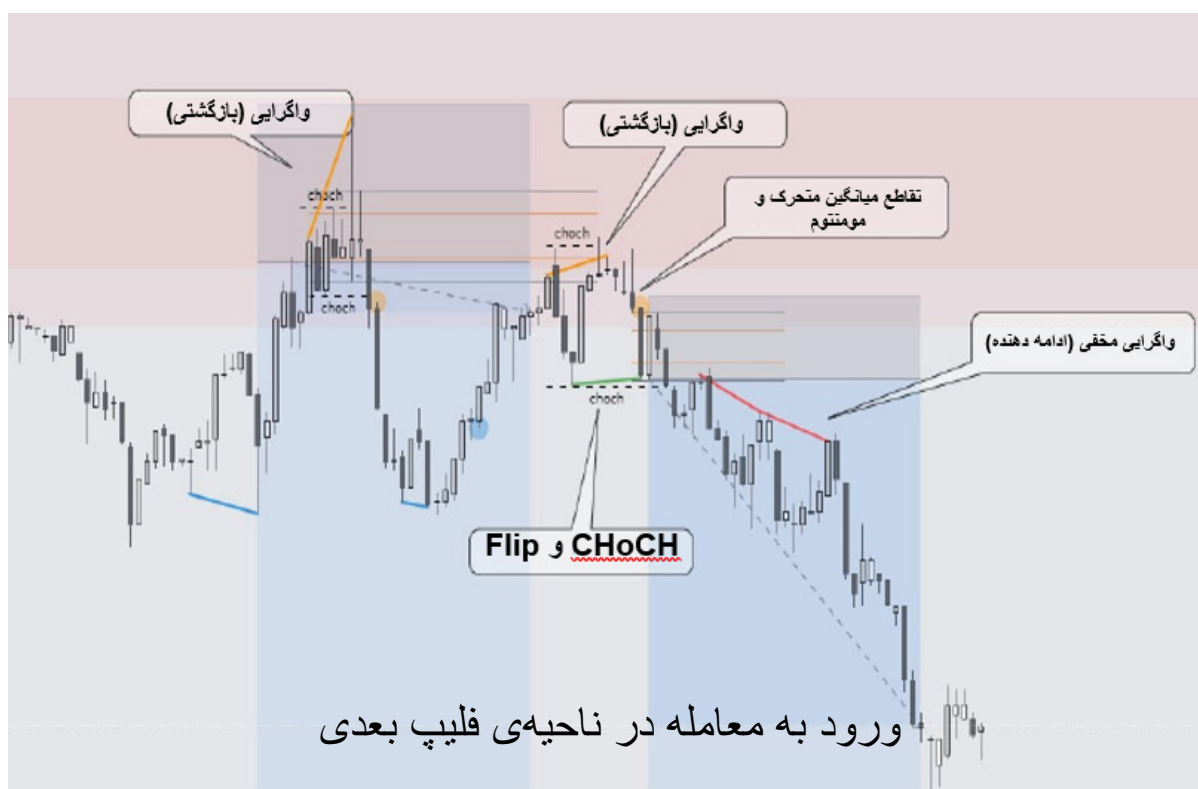
مثال ۲



در کنار هم قرار دادن تمام موارد



مثال ۲



در کنار هم قرار دادن تمام موارد مثال ۲



معاملات در حال حرکت به سمت هدف

معامله‌ی اول در تایم فرم 15m به سمت هدف ریوارد به ریسک ۱۰ (10R) حرکت می‌کند و معامله‌ی دوم در تایم فرم 4H به سمت هدف ریوارد به ریسک ۲۴ (24R) حرکت می‌کند. مجموع ریوارد به ریسک (R/R) در این معاملات ۳۴ (34R) بوده است.

اندیکاتورهای انحصاری ما از CHoCH ها و Flip های ما پشتیبانی می‌کنند تا در جهت برنامه‌ی معاملاتی جامع مذکورمان، برای ما همپوشانی‌های بیشتری ارائه دهند! معامله می‌تواند به همین راحتی باشد، اگر ما فقط منتظر تشکیل ستاپ‌های معاملاتی درست باشیم. اگر صبر و حوصله به خرج دهیم، بازار قطعاً سراغ ما می‌آید.



مدل ادامه دهنده

ورود به معامله در ناحیهی فلیپ بعدی

معامله با مدل‌های ادامه دهندهی روند اغلب از معامله با مدل‌های بازگشت روند بسیار بیشتر موفق هستند. یک بازار روند دار، دارای پیپ‌های بسیار بیشتری برای گرفتن در جهت روند می‌باشد. معامله با مدل‌های بازگشت روند همیشه اتفاق نمی‌افتند و بسیاری از زمان‌ها، گرفتن این نوع معاملات با گرفتن یک چاقوی در حال سقوط مقایسه می‌شوند. یک CHoCH تایم فرم 15m، گزینه‌ی خوبی است برای کمک کردن به شما تا از معاملات بازگشت روند دور بمانید، اما حتی این موضوع هم تضمینی برای موفقیت نیست، ولی احتمال موفقیت بسیار بیشتری از آن دارد که یک معامله صرفاً با CHoCH در خلاف جهت روند در تایم فرم 1m را انجام بدهید.

بزرگترین مسئله در مورد مدل ادامه دهندهی روند این است که یک بازار روند دار همیشه به منشاء حرکت ایمپالس باز نمی‌گردد، بنابراین شما باید روی گام حرکتی، هر جایی که اجازه می‌دهد وارد معامله شوید. من در بازار روند دار ترجیح می‌دهم، به POI تایم فرم بالاتر برگردم (10-30m) و آن را مشخص کنم و سپس مجدداً به تایم فرم 1m برگردم و دنبال CHoCH و فلیپ باشم. گاهی اوقات بازار برای انجام این کار به اندازه کافی خوب است، اما گاهی اوقات شما باید به سرعت داخل گام حرکتی 1m بپرید و روی موج سوار شوید. خطر ضرر کردن و استاپ لاس (حد ضرر) خوردن می‌تواند بیشتر شود اگر، در هر BoS مربوط به تایم فرم 1m وارد معامله شوید. در حالت ایده‌آل، اگر روی یک گام حرکتی می‌خواهید در ناحیهی فلیپ بعدی وارد شوید، تنها راهی که من برای ورود به معامله انتخاب می‌کنم این است که به منشاء حرکت ایمپالس نزدیک شده باشم. من با ورود به معامله در ناحیهی فلیپ دوم یا سوم مشکلی ندارم. من نمی‌خواهم یک گام حرکتی به سمت پایین را دنبال کنم و به تلاش برای ورود به معامله ادامه دهم. اگر در حال انجام معامله‌ی فروش هستیم، می‌خواهیم از بالا وارد بازار شویم. و اگر در حال انجام معامله‌ی خرید هستیم، می‌خواهیم از پایین خرید کنیم. اگر بیش از حد از بالا یا پایین گام حرکتی فاصله گرفته باشید، شما در وسط گام حرکتی هستید و احتمال موفقیت معامله کمتر می‌باشد. من ترجیح می‌دهم در سشن معاملاتی بیرون بنشینم تا اینکه مجبور به معامله کردن با قیمت گذاری‌های ضعیف باشم.

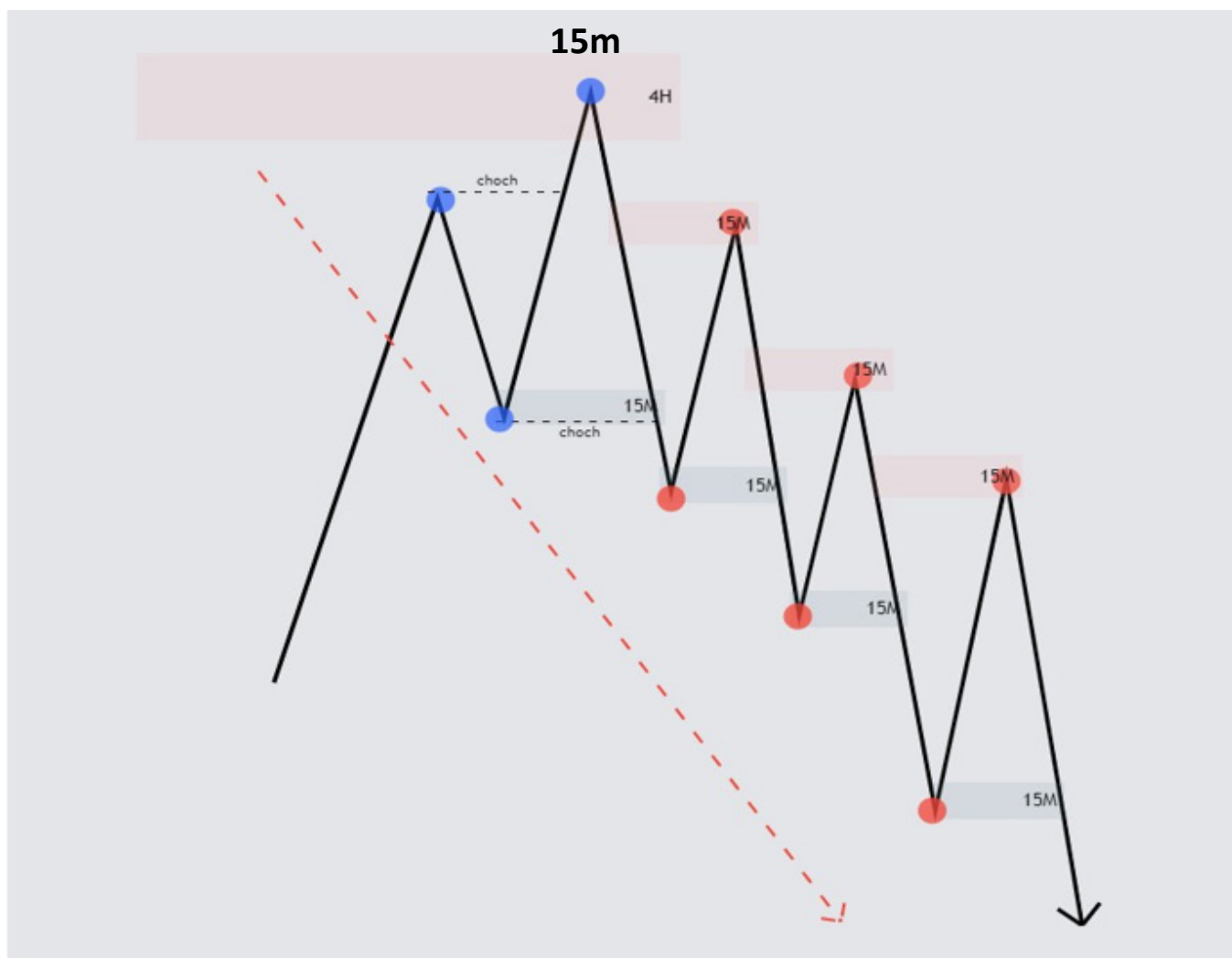


اگر قصد دارید در قسمت‌های پایین‌تر گام حرکتی وارد معامله شوید، بنابراین شما نیاز دارید تا از یک تایم فرم بالاتر وارد معامله شوید. قیمت گذاری ضعیف‌تر منجر به پایین آمدن احتمال موفقیت POI معامله می‌شود، این ریسکی است که ما متحمل می‌شویم، اما در یک بازار پویا و زنده، گاهی برای امتحان کردن بعضی چیزها باید خلاقیت‌های فی البداهه انجام بدهید. هیچ چیز تضمین شده نیست، و این یک بازی احتمالات است. شما باید ریسک پیش روی خود را ارزیابی کنید و تصمیم بگیرید که آیا ارزش این کار را دارد یا خیر. هر چه تایم فرم بالاتر پشتیبان روند شما باشد و هر چه قیمت گذاری بهتری داشته باشید، احتمال موفقیت شما نیز بیشتر می‌شود. هیچ وقت آن را فراموش نکنید.



مدل ادامه دهنده

ورود به معامله در ناحیهی فلیپ بعدی



در این مثال خاص، ما در تایم فرم 4H نزولی هستیم. ستاپ معاملاتی ایده‌آل ما مطمئناً گرفتن یک پوزیشن فروش از ناحیهی عرضه‌ی تایم فرم 15m که موجب فلیپ شدن ناحیهی تقاضای تایم فرم 15m شده، می‌باشد. در آن ناحیهی عرضه، ما می‌خواهیم CHoCH و فلیپ 1m مشاهده کنیم و به ما آن ورود به معامله‌ای را بدهد که به موجب فلیپ شدن ایجاد شده است. با این حال، ما همیشه نمی‌توانیم با CHoCH و فلیپ 1m وارد معامله شویم، زیرا قیمت بدون سوار کردن ما پرواز می‌کند. بنابراین ما در فلیپ دوم یا سوم وارد می‌شویم. من خودم سفارشم را روی ناحیهی اول قرار می‌دهم و روی ناحیهی دوم نیز سفارش دیگری قرار می‌دهم. اگر برای ادامه‌ی این معامله مجبور باشم در یکی از پوزیشن‌های خود ضرر کنم، ایرادی ندارد و من با آن مشکلی ندارم، زیرا می‌دانم که ریوارد به ریسک من (R/R) ضررهای من را پوشش خواهد داد، مشکلی نیست. یک ریسک حساب شده است.

مدل ادامه دهنده

ورود به معامله در ناحیهی فلیپ بعدی



روانشناسی

سیم‌کشی مجدد مغز برای موفقیت

اولین چیزی که باید در مورد روانشناسی خود بفهمید این است که بیشتر عادات شما ناخودآگاه است. در واقع ۹۵ درصد از زندگی شما بر اساس عاداتی که مغز ناخودآگاه شما در آن برنامه‌ریزی کرده است با خلبان خودکار اجرا می‌شود. به همین دلیل است که کودکانی که والدین موفق اطرافشان وجود دارد، در زندگی نسبت به کودکانی که اینطور نبوده‌اند، موفق‌تر هستند. تا سن ۷ سالگی امواج مغزی ما در حالت "تتا" کار می‌کنند، این امواج مغزی بسیار کندتر هستند و به عنوان حالت دانلود نیز شناخته می‌شوند، شما می‌توانید در این حالت به ناخودآگاه خود دسترسی پیدا کنید و شروع به سیم‌کشی مجدد مغز خود کنید. این همان دلیل اصلی است که بچه‌ها چیزها را خیلی سریع یاد می‌گیرند. از مدیتیشن می‌توان برای دسترسی به این حالت و شروع دوباره به سیم‌کشی کردن مغزتان استفاده کرد، اما این یک کتاب کامل برای خودش است. نگران نباشید اگر اهل مدیتیشن نیستید و محکوم به فنا نیستید، راه حلی وجود دارد!

یکی از راه‌هایی که می‌توانیم عادات‌های جدید ایجاد کنیم، شناسایی کردن عادات‌هایی که می‌خواهیم از شر آنها خلاص شویم و جایگزین کردن آنها با عادات‌های جدید، می‌باشد. ساده به نظر می‌رسد، درست است؟ خوب، اینطور نیست. بهترین راه برای برنامه‌ریزی مجدد ضمیر ناخودآگاه، تکرار است. اگر به اندازه‌ی کافی کاری را انجام دهید، تبدیل به یک عادت می‌شود. نکته‌ی مهم در اینجا، ایجاد کردن عادات‌هایی است که سودآور هستند، و در عین حال عادات‌هایی را که سودآور نیستند کاهش دهید. درک تحلیل تکنیکال مهم است و شما سریع‌تر از ایجاد عادات‌های جدید یاد خواهید گرفت که آن را درک کنید. ایجاد یک عادت، ۶۰ تا ۹۰ روز طول می‌کشد.

من روانشناسی معامله‌گری را یک معادله‌ی ریاضی می‌بینم. شما باید در محدوده‌ی مخصوص به خود کار کنید. اگر می‌توانید فقط یک ضرر در روز را تحمل کنید، بنابراین شما باید پس از یک ضرر، معامله کردن را متوقف می‌کنید. روز بعد برگردید. در نهایت می‌توانید آرام‌تر بمانید و تعداد بسیار بیشتری را مدیریت کنید. یکی از اصلی‌ترین کارهایی که مردم انجام می‌دهند، استفاده‌ی بیش از حد از اهرم (لوریج) و انجام بیش از حد معاملات است. مجدداً یک مشکل ریاضی است، اگر نتوانید با درصدهای بزرگتر از ریسک خود مقابله کنید و شاید خودتان را به ۲-۳ معامله در روز محدود کنید. شما همیشه می‌توانید این قوانین را با تکامل روانشناسی خود تغییر دهید.

همه چیز در معامله‌گری که حول محور روانشناسی می‌چرخد، یک مسئله ریاضی است. زمانیکه با آن کنار آمدید، شما می‌توانید معادله خود را ایجاد کنید. مغز هر کسی منحصر به فرد است و دارای نقاط قوت و ضعف مخصوص به خودش می‌باشد، برخی از افراد در بعضی چیزها بهتر از شما خواهند بود و این هیچ اشکالی ندارد.



یکی از مربیان من (که خواست نامش فاش نشود) به من آموخت که باید چندین حساب معاملاتی با میزان موجودی‌های مختلف داشته باشید. حساب‌های بزرگ بدیهی است که برای ستاپ‌های معاملاتی با بالاترین احتمال موفقیت شما می‌باشند و بیشتر روزها استفاده می‌شوند.

با این حال، اگر یک یا دو هفته‌ی بدی را سپری کنید و اعتماد به نفس و باور خود را از دست بدهید و نیاز به بازیابی اعتماد به نفس داشته باشید، چه؟ شما باید یک حساب معاملاتی کوچک (میکرو) باز کنید، و می‌توانید از انواع حساب‌های معاملاتی میکرو استفاده کنید. برای شما مثالی می‌زنم تا عیار کار دستتان بیاید، مربی من ۸۰ لات در قالب چندین پوزیشن متفاوت روی طلا باز می‌کرد، این اندازه‌ی پوزیشن‌های معمولی او برای اکثر معاملات روزانه بود. هر وقت هفته‌ی بدی داشت یا می‌خواست از استرس فاصله بگیرد و از لحاظ روانشناسی به روح و روان خود استراحت بدهد، او معاملاتش را برای چند روز یا یک هفته به ۵۰۰ دلار کاهش می‌داد. تا زمانی که احساس بهتری داشته باشد و توانایی لازم برای برگشت به حساب معاملاتی اصلی و بزرگ خود را کسب کند.

اگر در یک بازار زنده چیز جدیدی را امتحان می‌کنید، می‌توانید از همان تکنیک استفاده کنید. بدیهی است که بسیاری از شما در این فکر هستید که باید یک حساب دمو (آزمایشی) را برای انجام این کار امتحان کنید، باید به شما بگویم که اشتباه نمی‌کنید و درست فکر کرده‌اید. با این حال آنچه که من در مورد یک حساب دمو متوجه شده‌ام این است که، کار کردن با آن بسیار شبیه به بکتست گرفتن است و در واقع هیچ کمکی برای بهبود مسائل مربوط به روانشناسی شما نمی‌کند. ۸۰٪ این بازی مربوط به روانشناسی است. به همین دلیل است که من ۳ حساب معاملاتی اصلی برای خود دارم. ضرر کردن در معاملات داخل یک حساب معاملاتی دمو، هیچ معنایی برای من ندارد. از دست دادن حتی ۱ دلار پول واقعی، کافی است تا کمی احساس درد کنیم. ما احساسات را به اعداد و رنگ قرمز متصل کرده ایم. اگر می‌خواهید همیشه در این بازی پیشرفت کنید، نیاز دارید تا به طور واقعی احساس کنید. من به شما نمی‌گویم که باید از این روش استفاده کنید، این چیزی است که یکی از مربیانم به من آموخته است و کمک زیادی به من کرده است.

یکی از بزرگترین دلایلی که مردم به حساب‌های معاملاتی میکرو مراجعه می‌کنند، بازسازی اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس با دوپامین (هورمون احساس خوشبختی) مرتبط است که در این مورد با اعداد آبی مرتبط است. کورتیزول (هورمون استرس) از سوی دیگر با اعداد قرمز مرتبط است. ما به عنوان یک جامعه، به ویژه مردان، شایستگی و ارزش خود را به اعداد و ارقام متصل کرده‌ایم. به همان ترتیب، جامعه زنان را بر اساس جثه یا ظاهر به گونه‌ای شکل داده است که نسبت به خود احساس خوب یا بدی داشته باشند. متأسفانه همه‌ی ما این برنامه‌ریزی را در سنین جوانی دریافت کرده‌ایم، از همین سو در ما ماندگار شده است. ما به ویژه مردان، به عنوان یک انسان، به طرز وحشتناکی می‌خواهیم معامله‌گر شویم. در برخی مطالعات نشان داده شده است که زنان در مدیریت ریسک بسیار بهتر از مردان هستند، و در واقع ما بیشتر از اینکه معامله‌گر



باشیم، مدیر ریسک هستیم. به همین دلیل است که زنان بیشتر از مردان عمر می کنند □.

وقتی نوبت معامله کردن می شود، باید چندین ابزار در چنته‌ی خود داشته باشیم تا با این روانشناسی مبارزه کنیم. یکی دیگر از ابزارهای عالی که من پیدا کرده‌ام، برنامه ریزی مغزم است تا بفهمد که هر روز، روز معاملاتی نیست. گاهی اوقات حضور در بازار، کار عاقلانه‌ای نیست و بهترین کار این است که خارج از بازار بنشینید. ممکن است بعضی از معاملات را از دست بدهید، اما احتمالاً معاملات منجر به ضرر بیشتری نسبت به معاملات منجر به سود، از دست خواهید داد. تنها راهی که کمک می کند تا به این سطح برسید این است که، در واقع توانایی این را به دست آورید که معامله‌ای باز نکنید وقتی که فقط قسمتی از حرکت قیمت (پرایس اکشن) روز، خوب به نظر می رسد. به یاد داشته باشید عادت‌ها از طریق تکرار ایجاد می شوند. کارهایی را که باب میل شما نیست، آنقدر انجام دهید تا به عادت تبدیل شوند.

دوش آب سرد اولین کاری بود که شروع به شکستن قالب مغزی من کرد و به من یاد داد که حتی چیزهای ناخوشایند نیز می توانند خوب باشند. زمانی که مغز شما بفهمد، باید از حس ناخوشایند و ناراحتی شما عبور کند، و این موضوع ممکن است به مغز شما کمک کند تا نسبت به تغییراتی که می خواهید ایجاد کنید، مطیع تر شود. مجدداً می گویم که ممکن است کارهایی باشد که باب میل شما نیست و تمایل ندارید آنها را انجام دهید، اما باید کارهایی را که دوست ندارید انجام دهید، تا به جایی که می خواهید برسید.

وقتی وارد این بازی می شوید، باید انتظارات واقع بینانه داشته باشید. تعیین اجباری هر نوع جدول زمانی یا درصدی در هفته که قرار است حتماً در آن زمان مشخص، به آن درصد سود مشخص برسید، فقط به قیمت تخریب و تباهی روانشناسی شما تمام می شود. طبیعی است که برخی از ماه‌ها بهتر از ماه های دیگر خواهند شد. من این هفته 145R سود را در ۴ روز به دست آوردم. این میزان سود، بیشتر از مجموع سودی است که در ۶ هفته‌ی قبل کسب کرده بودم. من خوب می دانم که این اتفاق قرار نیست هر هفته رخ بدهد.

اگر در معاملات هفته‌ی آینده خود، هر گونه انتظاری داشته باشم و سعی کنم به میزان عدد خاصی سود کسب کنم، احتمالاً بیش از هر چیزی فقط استرس غیرضروری به خودم وارد می کنم. بهترین کاری که می توانیم انجام دهیم این است که هیچ گونه توقعی نداشته باشیم و فقط برنامه معاملاتی روزانه‌ی خود را هر روز دنبال کنیم. معامله‌گری یک کار سیستماتیک است و تنها در صورت داشتن یک سیستم می توانید سودآور باشید. همین سیستم، همچنین به شما کمک می کند تا روانشناسی خود را بسازید، زیرا تبدیل به شخصی می شوید که به صورت روتین و منظم یکسری اصولها را انجام خواهید داد.

اگر به خود بگویید که باید هر هفته پشت سرهم 20R سود به دست بیاورید و پنج شنبه باشد و شما در سود 4R یا حتی 3R در هفته‌ی جاری باشید، احتمالاً برای رسیدن به هدف خود شروع به انجام کارهای احمقانه‌ای خواهید کرد. خود را از هرگونه نتیجه‌ی انتظاری اجباری رها سازید. گاهی اوقات بازار گل و بلبل می شود، اما شما



نمی‌توانید هر هفته همان میزان سودی را که در بازار خوب به دست آورده‌اید را داشته باشید.

هنگامی که یک صندوق سرمایه‌گذاری، یک معامله‌گر بورس را استخدام می‌کند، به نتایج و کارنامه‌ی فصلی و سالانه‌ی وی نگاه می‌کند. برای آنها مهم نیست که در یک هفته یا یک ماه چه کرده‌اید. هر کسی می‌تواند هفته یا ماه بدی داشته باشد. آنها ثبات طولانی مدت و مستمر می‌خواهند. شما باید خود را اینگونه بسازید. قرار است شما برای مدت طولانی در بازار حضور داشته باشید. ما باید صبور باشیم. ما ریسک را مدیریت می‌کنیم. ما برنامه‌ی معاملاتی خود را بارها و بارها اجرا می‌کنیم. ما فقط و فقط از طریق نظم و انضباط موفق خواهیم بود. فقط به یاد داشته باشید، هرکسی برای رسیدن به موفقیت در این بازار، زمان‌های متفاوتی را صرف خواهد کرد، شما ممکن است ۹ ماه دیگر به موفقیت برسید، ممکن است برای یکی دیگر ۳ سال طول بکشد. شرایط و روانشناسی هر کس متفاوت است، پس برای این موضوع محدودیت زمانی قائل نشوید.

ممکن است فکر کنید دنبال کردن تعداد زیادی از معامله‌گران و حضور در تماس‌های زنده یا در گروه‌های چت، به معامله کردن شما کمک می‌کند. در واقع این موضوع دقیقاً برعکس است، معامله‌گری خوب خسته کننده است و باید به تنهایی انجام شود. بدون رسانه‌های اجتماعی، بدون چت‌های تصویری یا چت از هر نوعی. این موضوع به شخص دیگری ربطی ندارد که بگویند، ستاپ‌های معاملاتی شما معتبر است یا خیر. این کار دقیقاً وظیفه‌ی خود شما می‌باشد. نظر دیگران مهم نیست. احتمالاً شما فقط دچار فومو (ترس از دست دادن و جا ماندن از سود) خواهید شد و شروع به انجام معاملات خواهید کرد، زیرا دیگران آن را انجام می‌دهند. من حتی تا آنجا پیش می‌روم که به شما بگویم بیشتر افراد را آنفالو کنید، خیلی از آنها فقط سر و صدای زیادی ایجاد می‌کنند. احتمالاً آنها فقط شما را تحریک خواهند کرد.

فقط با ایجاد یک لبه‌ی معاملاتی (Trading Edge) و آزمایش کردن آن، بهتر می‌شوید. هرکسی بازار را متفاوت می‌بیند. ممکن است شما با سیستمی معامله کنید که دقیقاً با همان سیستم فرد دیگری نیز معامله می‌کند، و هر دو به یک نمودار مشخص نگاه کنید، اما همچنان هر دوی شما یک معامله‌ی متفاوت را مشاهده کنید. این کاملاً خوب است، هر کسی سیم‌کشی متفاوتی دارد. معامله کردن از روی معاملات شخص دیگری یا اینکه انتظار داشته باشید اشخاص دیگری برای شما خیر و برکت داشته باشند، هیچ کمکی به شما نخواهد کرد. فقط خود شما می‌توانید این کار را برای خودتان انجام دهید. مهم نیست دیگران چه فکری می‌کنند، مهم این است که شما چه فکری می‌کنید؟

این فصل، مهمترین فصل در کل این کتاب می‌باشد، و آنچه را که به طور خلاصه در مورد آن صحبت کردم را عملی کنید، و راه حلی را پیدا کنید که برای شما مفید باشد. اگر مشکلی یا مسئله‌ای به اندازه‌ی کافی مهم باشد، شما برای رفع آن راهی پیدا خواهید کرد، درگیر این صورت، بهانه‌ای برای توجیه کردن آن خواهید



یافت. من برای واژه به واژه‌ی این مبحث می‌توانم یک کتاب کامل بنویسم، حرف‌های ناگفته‌ی بسیاری برای آن وجود دارد. اگر یک چیزی وجود داشته باشد که می‌توانم به شما بگویم این است که، ثبات و سخت‌کوشی و پشتکار، ۱۰۰٪ مواقع، نتیجه‌ی بیشتر و بهتر از استعداد و هوش به همراه خواهد داشت. اگر هر روز پای کار حاضر شوید و سخت کار کنید به موفقیت خواهید رسید. معامله‌گری سخت‌ترین راه ممکن برای کسب درآمد است. شکست خوردن دشوار است. ایجاد کردن عادات برای ثروتمند شدن سخت است. کار سخت و دشوار خود را انتخاب کنید

یکی از چیزهای دیگری که ممکن است کمک کننده باشد این است که، رنگ کندل‌های خود را به رنگی ملایم‌تر تغییر دهید. رنگ قرمز قابل مشاهده‌ترین رنگ روی کره زمین است، همچنین فوراً ضربان قلب شما را بالا می‌برد و باعث ایجاد استرس می‌شود. شما ممکن است آن را احساس نکنید، اما یک نکته‌ی کوچکی اینجا وجود دارد. به همین دلیل است که چراغ‌ها قرمز هستند، علایم توقف قرمز هستند و وسایل نقلیه‌ی اورژانسی از چراغ‌های قرمز استفاده می‌کنند. برخی ممکن است به اندازه‌ی دیگران تحت تأثیر این موضوع قرار نگیرند. این موضوع را روی خودتان آزمایش کنید.

من زمانیکه برای اولین بار معامله کردن را شروع کردم، کمی مدیتیشن انجام می‌دادم، و متوجه شدم که خیلی به من کمک کرد. ممکن است این کار بتواند به شما نیز کمک کند. این کار قطعاً تمرینی نیست که باید همه‌ی مردم آن را انجام بدهند، اما برای برخی می‌تواند منفعت زیادی داشته باشد.



برخی از کتاب‌هایی که خواندن آنها برای بهبود روانشناسی شما و کمی باز کردن ذهن‌تان توصیه می‌شود عبارتند از :

- غلبه بر شیطان (Outwitting The Devil)

- معامله‌کردن در ناحیه (Trading in the Zone)

- تجارت فراتر از ماتریس (Trading Beyond the Matrix)

- ماورای طبیعی شدن (Becoming Supernatural)

- نور مصر (The Light Of Egypt)

- بی امان (Relentless)

- هرمتیکا (The Hermetica)

- روانشناسی پول (The Psychology of Money)

- کیبالیون (The Kyballion)

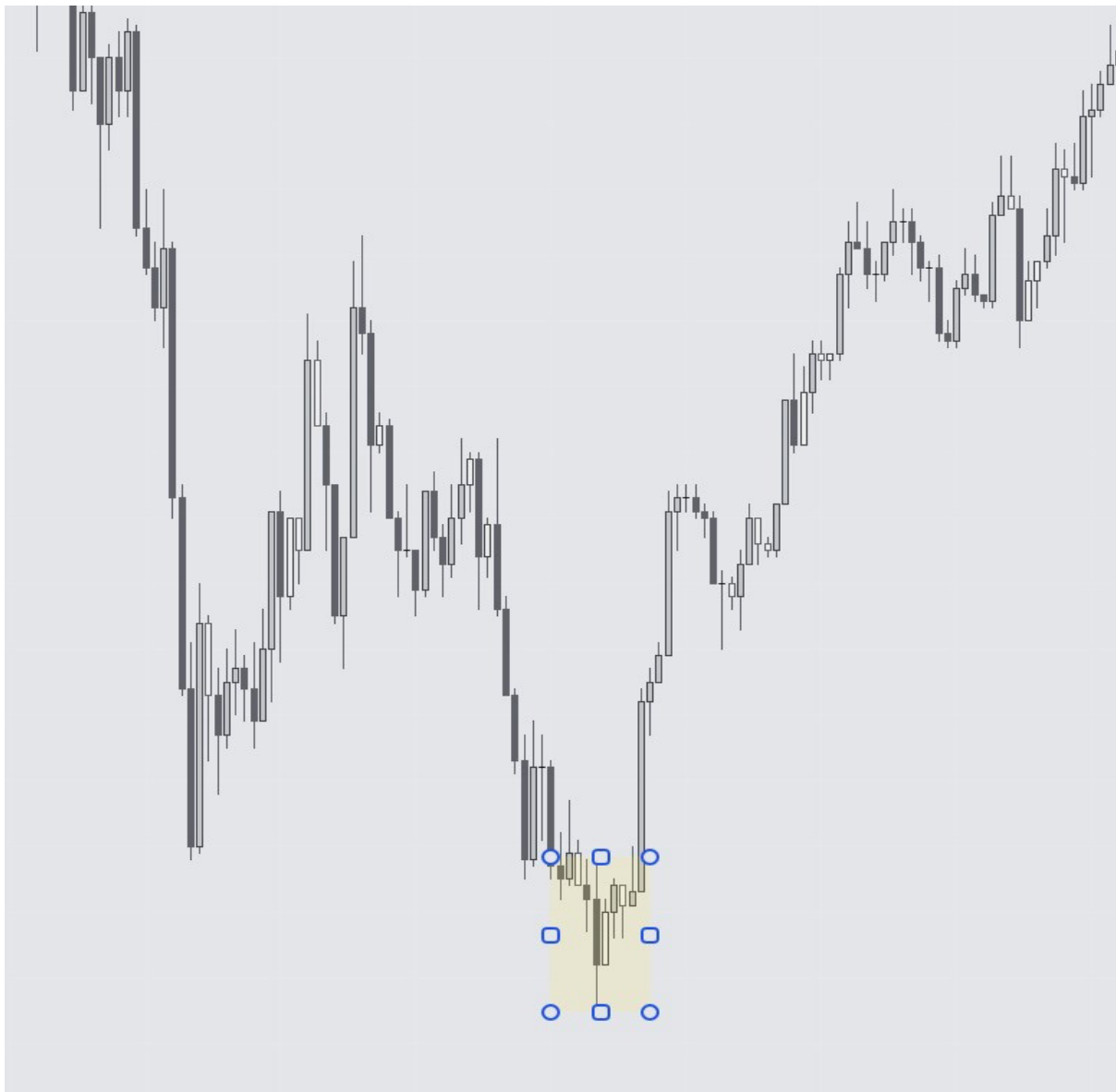
- اثر مرکب (The Compound Effect)

- عادت‌های کوچک (Tiny Habits)

تا تمامی مشکلات روانشناسی را برطرف نکرده‌اید، هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید. شما باید هر کاری را که برای‌تان مفید است، پیدا کنید. تا زمانی که به طور مداوم در مسیر بهتر شدن باشید، همه چیز پیشرفت خواهد کرد. بسیار مهم است که هر روز به تلاش و پیشرفت ادامه دهید. اگر هر روز 1% بهتر شوید، این یک درصدها با هم جمع شده و پیشرفت خوبی را ایجاد خواهند کرد. موفق شدن در این مسیر، قبلاً توسط دیگران انجام شده است، شما نیز می‌توانید آن را انجام دهید.



نقاط واکنش



به چگونگی تهاجمی و سریع بودن نقطه‌ی واکنش توجه کنید. مشاهده‌ی ایجاد شدن یک حرکت V شکل، می‌تواند اولین نشانه‌ی معکوس شدن و برگشت قیمت باشد. اینها را به محض وارد شدن به یک POI شناسایی کنید. به واکنش‌های ناموفق متعدد در صفحه بعد توجه کنید، اینها می‌توانند نشانه‌ای از عمل کردن ناحیه‌ی عرضه و نگه داشتن قیمت توسط آن باشند، که با شکست نواحی تقاضا تایید می‌شود، و حتی یک CHoCH و فلیپ نیز دارد. معاملات خود را اجرا کنید و روند را دنبال کنید. نقاط واکنش بسیار پیشرفته‌تر از این می‌باشند، اما برای اینکه مردم را گیج نکنم، در اینجا آن را با همین حد ساده بیان کردم!



چک لیست

روزانه (Daily) :

ساختار (Structure)

پریمیوم در مقابل دیسکانت (Premium Vs Discount)

تایم فرم روزانه برای معاملات میان روزی مهم نیست، ما فقط آن را بررسی می‌کنیم تا مشاهده کنیم که روند تایم فرم 4H در کجای آن قرار دارد (در جهت یا خلاف جهت روند).

چهار ساعته (4H) :

ساختار (Structure)

پریمیوم در مقابل دیسکانت (Premium Vs Discount)

POIها (بهترین نوع آن، ساختار جدید ایجاد می‌کند)

پانزده دقیقه (15m) :

ساختار (Structure)

پریمیوم در مقابل دیسکانت (Premium Vs Discount)

نقاط سوئینگ (Swing Points)

Unmitigated نواحی

POIها (بهترین نوع آن، ساختار جدید ایجاد می‌کند و وادارسازی دست نخورده دارد)

وادارسازی (Inducement)

نقدینگی (Liquidity)

تغییر ماهیت (CHoCH)

ساختار پادشاه است

و تا زمانی که با کلوز بدنه‌ی کندل شکسته نشود، معتبر است



چیزهایی که ممکن است عمل کرد شما را در بازار بهبود بخشد

بسیاری از ما اغلب از ساده‌ترین چیزهای زندگی که بر عملکرد ما تأثیر می‌گذارند، چشم‌پوشی می‌کنیم. اجازه دهید با ساده‌ترین چیزی که وجود دارد شروع کنیم. خواب کافی، قطعاً مهم‌ترین فاکتور برای عملکرد خوب است. این باعث تعادل هورمون‌های شما می‌شود، که به مغز و بدن شما اجازه می‌دهد تا به طور موثر کار کنند. محدوده‌ی متوسط خواب برای هر فردی، ۶ الی ۸ ساعت در هر شب می‌باشد، و من حدود ۷ ساعت در شب می‌خوابم.

بخش بعدی، هیدراتاسیون و رژیم غذایی است. بسیاری از ما آب کافی در روز نمی‌نوشیم. آب عنصر تمام حیات روی کره زمین است. گیاهان بدون آن می‌میرند. انسان‌ها، بیشتر از آب ساخته شده‌اند، و برای عملکرد خوب به آن نیاز دارید. آبمیوه‌ها و یا نوشیدنی‌های گازدار که پر از شکر هستند، آب محسوب نمی‌شوند. در واقع شما آن چیزی هستید که می‌خورید. اگر می‌خواهید عملکرد خوبی داشته باشید، باید به بدن خود یک رژیم غذایی متعادل بدهید. نه غذای ناسالم و فست فودها. رژیم غذایی متعادل درست، شامل پروتئین، چربی‌های سالم و کربوهیدرات‌ها می‌باشد. می‌توانید در گوگل جستجو کنید که یک رژیم غذایی سالم چگونه است. این سه مورد به تنهایی می‌توانند به شما اجازه‌ی عملکرد در سطح بالاتر را بدهند. شما به هر کاری که مزیتی برای‌تان دارد و می‌توانید آن را بدست آورید، نیاز دارید.

بدن شما به ورزش نیز نیاز دارد. شما باید پیاده روی، دویدن، تمرینات قدرتی، کوه پیمایی، انواع ورزش‌های دیگر و هر چیزی که ممکن است از آن لذت ببرید را انجام دهید. هوای تازه می‌تواند برای ذهن شما معجزه کند. زمان خود را برای رسیدن به اوج عملکرد خود اختصاص دهید.

درست همانطور که بدن شما به ورزش نیاز دارد، ذهن شما نیز به آن نیاز دارد. روزی ۲۰ دقیقه مطالعه کنید. این کار در حالی که به شما آموزش می‌دهد، شما را دقیق و تیزتر نیز نگه می‌دارد.

یک مدیرعامل به طور متوسط سالانه ۵۲ کتاب می‌خواند. اما کارمند ساده به طور متوسط صفر کتاب می‌خواند. اکثر مدیرعامل‌ها، رژیم غذایی متعادلی دارند و ورزش می‌کنند. اگر می‌خواهید مانند افراد با عملکرد بالا عمل کنید، باید برنامه‌ی کاری را که در مقابل شما گذاشته شده است، کپی کنید. اگرهمه‌ی اینها به نظر شما کار زیادی است، به این دلیل است که بله، واقعاً اینطور است. با این حال، وقتی همه‌ی اینها به یک عادت تبدیل شود، دیگر زحمت و حتی تلاش به نظر نمی‌رسد. کسب و کار خود را بر اساس زندگی خود بسازید نه برعکس. من مطمئن هستم که تا به حال متوجه شده اید که معامله‌گری یک تجارت است، آن را به عنوان یک تجارت انجام دهید. اگر می‌خواهید چیزهایی داشته باشید که هرگز نداشته‌اید، باید کارهایی را انجام دهید که هرگز انجام نداده‌اید.



محتوای فعلی در حال توسعه و اضافه شدن مطالب جدید در آیندهی نزدیک می باشد :

- معاملات سوئینگها با عرضه و تقاضا (برای کسانی از شما که به دلیل داشتن شغل ۵ الی ۹ ساعته، نمیتوانید به صورت مستمر روی نمودارها حضور داشته باشید)
- معاملات کریپتو با عرضه و تقاضا
- سرمایه گذاری در بازار کریپتو
- استیک کردن (Staking)
- NFTها
- مینت کردن (Minting)
- ماین کردن (Mining)
- و موارد بسیار بیشتر در راه است!



سخن‌ان‌پایانی

کوبی برایت عادت داشت، برای تمرین پرتاب کردن توپ، ساعت ۳ صبح از خواب بیدار می‌شد. نه به این دلیل که از انجام آن لذت می‌برد، بلکه او می‌دانست راه رسیدن به موفقیت و بهترین شدن، فقط همین است. تنها راهی که ما می‌توانیم در هر کاری پیشرفت می‌کنیم، تمرین کردن آن کار است. تمام این دانش‌ها را یاد بگیرید و آنها را امتحان کنید. بارها و بارها بک تست بگیرید. حتی زمانی که معاملاتتان سود ده می‌باشد نیز، بازهم بارها و بارها بک تست بگیرید. نهایتاً در همه‌ی ابعاد پیشرفت خواهید کرد، زیرا شما مغز خود را برنامه ریزی کرده‌اید که در یک بازار لایو (زنده) به دنبال چه سناریویی بگردد. توصیه می‌کنم در سایت تریدینگ ویو (Tradingview) و یا با Soft4x بک تست بگیرید. هر دو مزایا و معایب خود را دارند. اگر می‌توانید از هر دو استفاده کنید.

روند دوست شماست، آن را دنبال کنید.

این کار توسط بسیاری دیگر انجام شده است. شما هم می‌توانید انجام دهید، فقط به نظم و انضباط و داشتن اشتیاق به برتر بودن از افراد با سطح متوسط، نیاز دارد. آسان نخواهد بود، اما ارزشش را دارد. عظمت و بزرگی را در درون خود بیابید!

مراقب باش!

- Rob (اسم نویسنده)

در داخل اینستاگرام من لینک‌هایی برای مطالب **رایگان** در پلتفرم‌های یوتیوب، تلگرام و دیسکورد وجود دارد. در همه‌ی اینها شرکت کنید تا درک بهتری از معامله کردن با عرضه/تقاضا به دست آورید. من نمودارها را به اشتراک می‌گذارم و انواع معاملات را در ویدیوها کالبد شناسی می‌کنم.



@PRECISIONMARKETSINC





The Trading Bible 2.0

Supply/Demand & Liquidity Concepts

برای مطالب بیشتر به کانال ما مراجعه کنید

@TOBEATRADER

@IAMICTFX

